

پیام سندیکا

# پیام سندیکا

## پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۳۲ / سال سیزدهم / اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



# سیلی سخت ز حمتکشان، تجمعات هفتگی سراسری



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران / شماره ۱۳۲ / سال سیزدهم / اردیبهشت ۱۴۰۳ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری  
ایران کاری از کارگران سندیکایی  
ایران، بر اساس منشور جهانی  
سندیکاهای کارگری در راستای  
تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر  
۱۳۹۰/ چاپ تهران  
(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

در این شماره می خوانید:

- اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱
- گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۶
- اخبار باز نشستگان ص ۳۱
- گره دزده حساب خودشو کرد! ص ۳۶
- وزیر کار قانون گیر! ص ۳۷
- برخورد ناشیست و زندنه با کارگران پروژه ای ص ۳۸
- خرد جمعی و خود آگاهی را در دادخواهی ها ص ۳۹
- با اتحاد شمشیر اخراج را بی اثر کنیم! ص ۴۰
- چاره کار، قطع دست غارتگران است! ص ۴۱
- اهمیت طبقه بندی مشاغل برای زحمتکشان! ص ۴۲
- وزیر کاری که قانون کار نمی داند! ص ۴۳
- نامین اجتماعی چگونه ورشکست خواهد شد! ص ۴۴
- خصوصی سازی خواست سرمایه داران نئولیبرال است! ص ۴۵
- جنبش کارگری و انحرافات! ص ۴۶
- حذف شرکت های پیمانکاری در همه عرصه های کار! ص ۵۱
- چرا دزدی پیمانکاران نادیده گرفته می شود؟! ص ۵۲
- یارانه های پرمطراق اما بی کاربرد ص ۵۳
- وظیفه کارمندان قانون باز نشستگان تهران چیست؟ ص ۵۴
- شرط بندی روی اسب بازنده! ص ۵۵
- اوج فقدان مدیریتی! ص ۵۶
- هشدار باش به همه مردم ایران! ص ۵۶
- اشتغال زایی امپراتوری دروغ! ص ۵۷

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) و کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس [@sfelezkar](https://t.me/sfelezkar) کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران مراجعه کنید.

## اول ماه مه، روز همبستگی جهانی زحمتکشان شادباش!



در حالی که پیشواز جشن اول ماه مه می رویم که سرمایه داری نئولیبرال در همه جهان دست به تعرضی سخت برای نابودی دستاوردهای زحمتکشان زده است. در میهن پلازده ما این سرمایه داری نئولیبرال با وحشیانه ترین شکل نه تنها دست به قانون گریزی زده است بلکه با دروغ پردازی های هر روزه تلاش دارد خود را عین قانون بقبولاند. تورم افسار گسیخته، گرانی های روز افزون، بیکاری گسترده زحمتکشان، تصویب حداقل دستمزد ۴ برابر زیر خط فقر، مستمری های حقیرانه، سرکوب کنشگران سندیکایی، فعالین مدنی و جنگ با زنان کشور به همراه اعدام های بیخردانه جوانان بخشی از فرار رو به جلوی سیاست گذاران ضد کارگری نئولیبرال کشورمان برای بحران پیش آورده در کشورمان است. دولت به جای خدمت به مردم به اهرمی برای ثروتمندتر کردن بخش انگل جامعه شده است. چشم فرو بستن به ماشین فساد و کندن آخرین ریال از جیب مردم با مشاوره های اتاق بازرگانی و سرازیر کردن آن به جیب ثروتمندان راهکارهایی است که دولت در لایحه هفتم برگزیده است.

آنچه به طبقه کارگر مربوط است نبرد با این ماشین ضد انسانی با اعتصابات کارگری است. سیلی سخت زحمتکشان در راه است و این را تجمعات هفتگی سراسری نوید می دهد.

پرچم مبارزاتی طبقه کارگر همچنان آزادی فعالیت های سندیکایی، طبقه بندی مشاغل برای افزایش قدرت خرید، و حذف پیمانکاران از همه عرصه های زندگی است.

زحمتکشان هرگز اجازه مرگ فرزندان را به دست آفازده هایی که اندیشه ای جز غارت و نابودی این کشور ندارند را، نخواهد داد.

## خواهران و برادران زحمتکش،

تولد روز جهانی کارگر فقط برای بهبود وضعیت طبقه کارگر در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و جنبش ۸ ساعت کار برای زندگی انسانی همچنان راهنمای عمل ما در این نبرد است. فعالیت آزادانه سندیکاهای کارگری، آموزش رایگان، درمان رایگان، امنیت شغلی، آزادی اندیشه، نفی سانسور بخش مهمی از دستمزدهای ماست که از ما دریغ می شود. ما اجازه نخواهیم داد مشتی بی خرد برای زندگی انگل وار خود، ما و خانواده هایمان را به بردگی بگیرد. به همین منظور روز کارگر را به آگاهی بخشی این روز تبدیل کرده در هر کارگاه و کارخانه با برپایی جشن اول ماه مه به ترویج آرمان های جنبش ۸ ساعت کار همت بگماریم. متحد شویم و برای کوفتن سر این اژدهای مردم خوار دست در دست هم نهم. تفرقه راهکار سرمایه داری است، از آن پرهیزیم و هر ندا و تصمیمی که منجر به شکسته شدن اتحاد می گردد را طرد کنیم. اتحاد ما مرگ دشمنان ایران زمین را رقم خواهد زد. گرد هم خواهیم آمد و اول ماه مه را همراه با زحمتکشان جهان در سراسر ایران به جشن مرگ سرمایه داری تبدیل خواهیم کرد.

## زنده باد جنبش ۸ ساعت کار

پیروزباد نبرد طبقه زحمتکش با مافیای سرمایه داری

گسترده تر باد اندیشه اتحاد

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران / بازنشستگان  
 سندیکای بافنده سوزنی / بازنشستگان صنعت چاپ /  
 بازنشستگان شهاب خودرو / بازنشستگان مستقل قزوین /  
 بازنشستگان مستقل بابل / بازنشستگان مستقل رامهرمز

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

## عقلانیتی در امپراتوری دروغ نیست!



در شرایط سخت اقتصادی و گرانی های روزافزون و ورشکستگی اقتصاد صنعتی و مالی که با سیاست های ضد مردمی نئولیبرالیستی شکل گرفته، امپراتوری دروغ را به این نتیجه رسانده است که برای فرار از بحران های اجتماعی، سیاسی، مالی، فرهنگی دست به سختگیری های اجتماعی و اعدام های سیاسی بزند و با باز گذاشتن دست مافیای آقازاده ها برای چپاول ثروت ایران حمایت این قشر انگل را پشتوانه خود داشته باشد.

برجسته کردن موضوع حجاب، صدور احکام اعدام های هر روزه، محدود تر کردن فعالیت های سندیکایی کارگران با احضارهای مرتب و دادن پیامک های هشدار دهنده به کنشگران بازنشستگی نه تنها بازدارنده نبوده بلکه اعتراضات اجتماعی، صنفی و سیاسی را هر چه بیشتر نموده است.

راه انداختن جنگ های خیابانی با زنان، زیر تیغ اعدام نگه داشتن عباس دریس و سایر محکومان به اعدام، صدور حکم اعدام برای خواننده معترض توماج صالحی و در کنار اینها اعلام یکطرفه ۳۵ درصد افزایش حداقل حقوق و به گرسنگی کشاندن ۸۰ درصد مردم ایران، سردوندان بازنشستگان و اعلام نکردن مقدار افزایش مستمری هایشان جنگی همه جانبه از سوی امپراتوری دروغ با

جامعه است. جنگی که در آن هیچ ثمری جز افزایش تلفات انسانی برای این امپراتوری ندارد.

برخلاف انتظار امپراتوری دروغ با این سیاست ها جامعه نه بسوی گسست و انفعال بلکه به سوی جنبشی اتحاد آمیز پیش رفته و عناصر خاموش نیز به این جنبش پیوسته اند. کافی است به تجمعات هر روزه زحمتکشان در سراسر هفته نگاهی بیندازیم تا این جنبش متحد را مشاهده نماییم.

بی تردید باید صدای فرزندانمان باشیم!

منوچهر سراج، مهدی توکلی از سندیکای فلزکارمکانیک-رضا شهابی، داود رضوی، حسن سعیدی از سندیکای شرکت واحد-عباس دریس کارگر ماهشهری-توماج صالحی، خبرنگاران، وکلا، زنان و دختران جنبش مدنی، زندانیان سیاسی که در بند سانسور گرفتار آمده اند همه فرزندان مبارزی هستند که امپراتوری دروغ آنان را به بند کشیده است.

ما ضمن محکوم کردن این سیاست های دیوانه وار، حمایت خود را از فرزندان شجاع سرزمین مان که گرفتار بی عقلی حاکمان شده اند را ابراز می داریم و در کنار آنان و خانواده هایشان تا آزادی کامل همه آزادی خواهان کشور ایستاده ایم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران / بازنشستگان  
سندیکای بافنده سوزنی / بازنشستگان فلزکارمکانیک /  
بازنشستگان صنعت چاپ / بازنشستگان شهاب خودرو /  
بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان مستقل رامهرمز /  
بازنشستگان مستقل بابل

## سیستان و بلوچستان یاری ما را می‌طلبد!



در پی وقوع سیلابی مهیب بر اثر بارندگی‌هایی که از روز یکشنبه اتفاق افتاد، سیل ویرانگر دوباره زندگی مردم محروم سیستان و بلوچستان را درنوردید و آنان باز هم دچار مصیبتی جان فرسا شدند.

نبود زیرساخت‌های مناسب، نادیده گرفتن ۲ استان سرفراز سیستان و بلوچستان در بودجه عمومی کشور، باعث صدمات فراوان به هموطنان عزیزمان گذشته است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از همه کارگران و مردم ایران طلب یاری کرده تا بتوانیم بخش کوچکی از رنج هموطنان بلوچ و سیستانی را کاهش دهیم.

برای یاری به هموطنان سیل زده مان با ما تماس بگیرید .

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**۳۱ فروردین ۱۴۰۳**

## کارگرانی که از جان مایه گذاشتند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وقوع سیلاب در پی بارندگی های هفته اخیر در منطقه «کارواندر» شهرستان خاش در سیستان و بلوچستان، ۴ مهندس راهسازی شرکت راه آهن که با لودر قصد بازگشایی مسیر را داشتند، در رودخانه «دامن» گرفتار سیل شده جان خود را از دست دادند. جان باختگان مهندس احسان نظری، مهندس محمدرضا ریحانی و مهندس منصور دلیری هستند که پیکر بی جانشان پیدا شده و دیگر جانباخته هنوز پیکرش یافت نگردیده است. این کارگران سختکوش همگی ساکن شهر رفسنجان می باشند.

طبقه کارگر همیشه در بحران ها پیشگام مقابله با بحران و بهبودی و آبادانی کشور حتا به قیمت جان باختن در این راه است و این سه مهندس و دیگر جان باخته از شهر سرفراز رفسنجان، تائیدی هستند بر این موضوع.

کارگران شرکت راه آهن که همین چندی پیش به دلیل نگرفتن چند ماهه حقوق دست از کار کشیده اما در بحران ها نه به فکر مال و جان که به فکر انجام وظیفه انسانی خود هستند. شرم بر مسوولین راه آهن که با کارگراتش چنین رفتاری را دارد.

ضمن درود بر خانواده های جان باخته، سر تعظیم به پیشگاه این سرفرازان میهن فرود می آوریم.

**روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**۳۱ فروردین ۱۴۰۳**



## مقررات کمپین ۲۰/۱۰



با درود به همه کارگران پروژه ای،

کمپین برای افزایش حقوق، لیست بیمه درست، بهبود وضعیت رفاهی در حد شرکت نفت، و در یک کلمه حذف شرکت های پیمانکاری و استخدام رسمی همه کارگران در شرکت نفت برنامه ریزی می شود. به همین دلیل تا رسیدن به حذف شرکت های پیمانکاری از عرصه نفت و گاز و نیروگاهی مقررات کمپین ۲۰/۱۰ توسط همه کارگران و کارفرماها باید رعایت شود.

### الف) دستمزد

۱- افزایش دستمزدها طبق لیست ارایه شده در گروهها. هیچ کارگری حق ندارد از دستمزد تعیین شده پایین تر قرارداد بنویسد.

۲- دستمزدها بر حسب ۲۰ روز کار با ۸ ساعت کار روزانه، اضافه بر ۸ این ساعت اضافه کار محسوب می شود.

۳- ۲۰ روز کار ۱۰ روز مرخصی تا در کمپین های بعدی ۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی، رعایت شود.

۴- پرداخت دستمزدها روزانه یا هفتگی و یا ماهانه طبق قانون کار. در صورت رعایت نکردن این مورد توسط کارفرما اطلاع به سندیکای کارگری و دست کشیدن از کار تا پرداخت دستمزد.

۵- هر ساله طبق نظر نمایندگان کارگران پروژه ای و سندیکای کارگری دستمزدها افزایش خواهد یافت.

۶- در صورت افزایش ندادن دستمزدها پیمانکار تحریم کارگری خواهد شد تا بدون کارگر بماند و از پروژه اخراج شود.

۷- پس از قبول تست کارگر، باید فوراً با کارگر قرارداد بسته یک نسخه قرارداد به او داده شود. تا زمان نگرفتن قرارداد، کارگر حق کار ندارد. در صورت پذیرفته نشدن کارگر هزینه رفت و آمد باید پرداخت شود.

۸- همه کارگران پروژه ای تحت پوشش قانون کارند و باید از مزایای قانونی همچون بیمه، عیدی و سنوات بهره مند شود حتی با یک روز کار.

۹- کارگران اورهال از مالیات معاف هستند و پیمانکار حق کسر مالیات از حقوقشان را ندارد ولی مزایای قانونی را باید مطالبه کنند.

۱۰- ایمنی محیط کار بخشی از دستمزد کارگر و مهمترین بخش آن است که باید از سوی کارفرما رعایت اکید شود. در صورت ایمن نبود محیط کار و یا نبود وسایل ایمنی کارگر حق کار ندارد.

۱۱- ایمنی محیط کاری در پروژه های نفت و گاز و نیروگاهی طبق استاندارد شرکت نفت و شرکت های نفتی جهانی باید اجرا شود.

۱۲- حق بیمه بخشی از دستمزد کارگر است. لیست بیمه مطابق با پرداختی کارگر باید تنظیم شود نه بصورت کارگر ساده و یا جدول تامین اجتماعی، تا کارگر در زمان بازنشستگی طبق حقوق دریافتی بازنشسته شده و مستمری خوبی بگیرد.

۱۳- غذا طبق استاندارد شرکت نفت، محل خواب پاکیزه در حد هتل، سرویس های بهداشتی مطابق مدیران، سرویس های حمل و نقل مدرن همگی بخشی از دستمزد کارگر است که پیمانکار این مبلغ را از شرکت بالادستی گرفته و باید به کارگر ارایه دهد. اجازه دزدی به پیمانکار در این خصوص را ندهیم.

#### (ب) کمپین (اعتصاب)

کمپین (اعتصاب) حق کارگر است و طبق اصل ۲۷ قانون اساسی به همه مردم ایران حق اعتصاب، تجمع، راهپیمایی را بدون داشتن سلاح و توهین به اصول دین مجاز شناخته شده است. اعتصابات کارگری طلب کردن عدل که یکی از اصول دین است می باشد. به همین دلیل:

۱- در هر پروژه کارگران باید از میان خود نماینده ای انتخاب کرده به سندیکای کارگری جهت حل و فصل مشکلات معرفی کنند.

۲- در هر کمپین پس از مذاکره نماینده کارگران با کارفرما، به سندیکای کارگری اطلاع داده با هماهنگی سندیکا و اعلام به کارفرما، کمپین(اعتصاب) در یک پروژه کلید خواهد خورد.

۳- در کمپین های سراسری پس از مذاکرات نمایندگان همه پروژه ها با هماهنگی سندیکا و خردجمعی، کمپین سراسری در روز معین و ساعت مشخص آغاز خواهد شد.

۴- در کمپین سراسری همه با هم دست از کار کشیده و همه با هم پس از موفقیت اعتصاب به پروژه باز خواهیم گشت. هیچ رشته ای حق ندارد به تنهایی اعتصاب را لغو و یا به پروژه بازگردد.

۵- در کمپین ها و تحریم های کارگری شرکت ها، هیچ کارگری حق ندارد اعتصاب شکنی کند در این صورت کارگر اعتصاب شکن بایکوت و هیچ کارگری حق حرف زدن و مرادده با او را ندارد.

۶- در طول کمپین سراسری یا در یک پروژه، از ارسال عکس و فیلم به سایت ها و افراد مشکوک خودداری کرده هم خود کارگر و هم کمپین را از اتهامات امنیتی حفظ کنیم. ارسال خبر و عکس و فیلم فقط به سندیکای کارگری مجاز است.

۷- در زمان کمپین سراسری با نمایندگان خود و سندیکای کارگری در ارتباط باشید. در محل زندگی با کارگران پروژه ای شهرتان ارتباط گرفته نمایندگانی را برای حل و فصل مشکلات خود انتخاب کرده به سندیکای کارگری مرتبط کنید.

۸- هرگونه تفرقه افکنی از سوی هر کسی در هنگام کمپین سراسری و یا کمپین در یک پروژه، محکوم است و از سوی سندیکای کارگری بایکوت خواهد شد.

۹- هرگونه توهین و تحقیر کارگران و سندیکاهای کارگری از سوی مدیران شرکت ها با تحریم کارگری پاسخ داده خواهد شد.

اعتصاب و تحریم کارگری قدرتمندترین سلاح کارگر برای مبارزه با حق خوری کارفرمایان است.

حذف شرکت های پیمانکاری(برده داری نوین) خواست همه کارگران ایران است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳۰ فروردین ۱۴۰۳

## اتحاد همچنان رمز پیروزی است!

امروز ۱۸ فروردین کارگران فولادی رزمنده ای که قراردادهایشان در سال گذشته تمام شده بود را تمدید قرارداد نکرده و به این بهانه آنان را اخراج کردند. بیش از ۲۰ کارگر فولاد که از سال گذشته به کارخانه راهشان نداده بودند امروز قصد برپایی چادر اعتراضی در مقابل شرکت فولاد خوزستان را داشتند که با حمله عناصر حراست روبرو شدند. متأسفانه از سال گذشته با تمام هشدارهایی که هم از سوی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و هم از سوی دلسوزان کارگران فولاد خوزستان داده شد که: «کارگران مراقب اتحاد خود باشند و به عناصر فرصت طلب اجازه تفرقه افکنی بین کارگران را ندهند و کارگران را به قراردادی و غیره تفکیک ننمایند» اما شد آنچه نمی بایست می شد.

کارگران فولاد طی حداقل ۱۰ سال اخیر بارها تجربه تشکل های موقت را داشته اند و امروز دیگر باید دانسته باشند که کارکرد چنین تشکل هایی که چند ماهه شکل می گیرند و در صورت اشتباه به کسی هم پاسخگو نیستند و بعد هم متلاشی شده و همه به دنبال کار خود می روند، نمی توانند کارگران را به درستی رهبری و به اهداف کلان و موقت شان برسانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران باز هم کارگران را توصیه به اتحاد و همبستگی می کند. اتحاد میان همه کارگران چه کارگران اکسین و چه دیگر کارگران دارد. کارگران با تجربه اندوخته شده می توانند با خرد جمعی و تاسی به شعارهایی که همه کارگران را متحد می کند از جمله: «هیچ کارگری نباید اخراج شود، طبقه بندی مشاغل برای همه و حذف قراردادهای موقت» اتخاذ کرده و با راهکارهایی همه کارگران اخراجی را به کار بازگردانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن حمایت از کارگران اخراجی فولاد خوزستان خواهان بازگشت این کارگران به کار هستیم. سفره همه کارگران یکی است و گرسنگی یک خانواده کارگری، گرسنگی همه کارگران است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

## نوروز همیشه پیروز، جاودان!



سالی که گذشت با کوشش و مبارزات ما چهره ای دیگر به میهن بلازده ما داد. سالی دیگر پیش روی ماست، که در امتداد مبارزات ما شکلی نوین به جامعه و جنبش کارگری خواهد داد. در سال گذشته فرا گرفتیم که اتحاد همچنان رمز پیروزی است و رقیب طبقه کارگر نه تنها از خمودگی و تفرقه ما بیشتترین سود را برده بلکه بهتر تمایلات غیرانسانی خود را به جامعه تحمیل می کند. نئولیبرال های لانه کرده در اقتصاد، فرهنگ، سیاست و نظامی گری، نشان داده اند جز سود خود و نابودی و سرافکندگی ایران در جهان، هیچ نمی خواهند و ابایی از این ندارند که جوانان کشور را چه با مواد مخدر، چه با بیکاری، چه با گلوله بسوی نیستی بفرستند.

برماست که اتحاد را بدیل تفرقه کنیم و از هر چه که به تفرقه دامن می زند بپرهیزیم.

برماست که آنچه را نئولیبرال های وطنی نمی پسندند در جامعه رواج دهیم. غم بزرگ را به کاری بزرگ، خمودگی را به بیکاری سهمگین، در خود فرو رفتگی را به تعاون و همدلی، سکوت را به گفتگو و خردجمعی تبدیل کنیم.

بالزاک نویسنده شهیر فرانسوی می گوید: «از تمام بذرهایی که بر زمین افشاند می شود، خون قربانیان ستم است که غنی ترین محصول را ببار می آورد»

ضمن گرمی داشت همه جانباختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی، در نوروز پیش رو با چهره ای خندان و امید به فردایی که با دستان ما بهروز خواهد شد، به پیشواز نو روز برویم.

چهره خندان تو/ تابشی از جان ماست/ جلوه بخش نو بهار/ جان نور افشان ماست/ ما که اهل کاریم/ بیم خود نداریم/ پس چه رو نکاریم/ عامل ای بر آریم/ فصل نو به نام ماست .

تحریریه ماهنامه پیام سندیکا اسفند ۱۴۰۲

## چهره عريان امپراطوری دروغ و فقر و فساد!

با تمام ادعاهای دولت و وزارت کار که خود را حامی محرومان می دانند دستمزد ۴ برابر زیر خط فقر به کارگران تحمیل شد. دروغ‌گويانی که سال قبل با کلاه گذاشتن بر سر مذاکره کنندگان کارگری فقط ۲۰ درصد به حقوق کارگران اضافه کرده بودند، نه تنها در مهار تورم و گرانی عاجز هستند بلکه با سیاست های ضد کارگری بر بحران گرانی و فقیرتر کردن مردم سعی و تلاشی وافر دارند.

۲ سال پیش به مذاکره کنندگان کارگری پیشنهاد کردیم که مصوبه حقیرانه دستمزدها را امضا نکنند و این حق برای کنشگران محفوظ بماند تا اعتراضات خود را با توسل به این عدم امضا، گسترش دهند و چهره واقعی وزارت کار و دولت در میان کارگران آشکار شود.

از ابتدای سال عهدشکنی های وزارت کار آغاز و سپس با ارایه لایحه هفتم توسعه روند قانون زدایی از روابط کار و کارگری، دورنمای حرکت حاکمیت را برای اجرای دستورات صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی مشخص تر کرد. روندی خطرناک که با مشاوره های اتاق بازرگانی به عنوان مشخص کننده روابط کار و کارگری، شکل گرفت و امسال اجرا خواهد شد. همتاگونه که همیشه گفته ایم سرمایه داری نئولیبرال حذف همه قوانین حمایتی از پهنه اجتماع را می خواهد. اگر وزیرکار گردنکشی می کند و آمرانه می گوید که مواد ۱۶۷ تا ۱۷۰ و ماده ۴۱ قانون کار را از قانون کار حذف خواهد کرد و مجلس باید حداقل حقوق کارگران را تعیین کند، ادامه همان روند سیاست های نئولیبرالیستی است که حذف دستاوردهای کارگری از طریق لایحه هفتم توسعه برای نابودی طبقه کارگر را طراحی نموده است.

زحمتکشان جامعه باید زمین بازی خود را مشخص و طراحی کنند و مخالفت با لایحه هفتم توسعه و دوری کردن از بازی های فرسایشی وزارت کار، از دام های اتاق بازرگانی نیز بپرهیزند. سال پیش رو سال نبرد مرگ و زندگی زحمتکشان است یا باید سر خم کرده و ظلم های قانونی شده را پذیرفت و یا اینکه برای زندگی انسانی و آینده فرزندانمان رزمید. کنشگران کارگری چاره ای جز پراکندن آگاهی میان زحمتکشان نداشته و باید قشر خاموش زحمتکشان را به میدان آورد.

وزیرکار گفته لایحه تعیین حداقل دستمزد توسط مجلس را تنظیم و به مجلس خواهد داد. پاسخ ما به ایشان این است: «ببین تا آن روز هنوز وزیر باقی خواهی ماند بعد گردنکشی کن. تو را از وزارت به زیر خواهیم کشید. ببین تماشا کن.»

## سنديکای کارگران فلزکارمکانیک ايران

۲۹ اسفند ۱۴۰۲

## گزارشی از برگزاری روز جهانی کارگر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت مطابق با اول ماه مه، طبقه کارگر از همه اشکال ممکن برای برگزاری جشن روز جهانی کارگر بهره برده و این روز را گرامی داشتند.

از پروژه های نفت و گاز خبر می رسد که حراست و سرپرستان کارگاهها به بسیاری از اعضای با نفوذ سندیکا هشدار داده اند که از برگزاری جشن روز کارگر و سخنرانی پیرامون آن خودداری کنند که به رغم این تهدیدها در بسیاری از کانکس ها و اتاق های کارگری این روز جشن گرفته شد. در ذوب آهن روز ۱۰ اردیبهشت در بسیاری از قسمت ها شیرینی روز کارگر پخش شد و کارگران از رفتن به مراسم هدایت شده مدیریت سرباز زدند. در کارخانه نیشکر هفت تپه بیش از صد کارگر در محوطه پارکینگ تجمع کرده و این روز را گرامی داشته و در مورد خواسته های خود با هم گفتگو کردند. همچنین در این روز کارگران معترض کاغذ پارس هفت تپه در ادامه تظاهرات های روزانه خود این جشن مهم کارگری را گرامی داشتند.

در کرمانشاه آموزگاران بازنشسته و بازنشستگان تامین اجتماعی در مقابل اداره کار شهر تجمع کرده و سخنرانان در مورد مشکلات بازنشستگان صحبت کرده و از توماج صالحی حمایت و اعدام او را به شدت محکوم کردند. در تهران ساعت ۱۰ صبح بیش از ۷۰ بازنشسته تامین اجتماعی و تعدادی از آموزگاران بازنشسته گرد آمده و با شعارهایی که در دست داشتند خواسته های خود را اعلام کردند. هرچند تلاش نیروهای انتظامی برای برهم زدن این تجمع بیار نشست و این نیروها مجبور شدند به داخل سازمان تامین اجتماعی بروند.

در تهران ساعت ۱۷ گرامی داشت روز کارگر از سوی خانواده و جمعی از دوستداران زنده یاد پرویز بابایی نویسنده، در تالار سپهر با حضور بیش از ۳۵۰ نفر برگزار شد. هرچند نیروهای امنیتی با فشار بر روی برگزار کنندگان و صاحب تالار قصد خاموش کردن چراغ های تالار را داشتند تا جمع را پراکنده کنند اما بعد از یکساعت اعلام شد که جشنی برگزار خواهد شد. حاضرین با

برخاستن و تشویق ۱۰ دقیقه ای برگزار کنندگان، احساس عمیق خود را ابراز داشته و با کف زدن های دوباره به برهم زندگان مراسم پیام اعتراض خود را ابراز داشته و با دروهای پی در پی حضور همیشگی نام آوران طبقه کارگر را گرامی داشتند. در این مراسم کارگران، بازنشستگان، آموزگاران، فعالان کودکان کار، سندیکالیست ها، نویسندگان، زندانیان اجتماعی و سیاسی قبل و بعد از انقلاب حضور یافته بودند.







## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

### بیمه های تکمیلی یا تحمیلی؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران و کارکنان ذوب آهن که از دست بیمه تحمیلی دانا به ستوه آمده اند بارها خواستار لغو بیمه تکمیل درمان شرکت دانا شده اند. این کارکنان و کارگران حتا در طول مذاکرات اعتصاب سال گذشته بارها به مدیریت تاکید کردند که مفاد قرارداد با بیمه دانا را در اختیار آنان گذاشته و یا اینکه انتشار همگانی بدهند تا مشخص شود بخش درمان ذوب آهن چگونه قرارداد بسته است. کارکنان ذوب آهن از تاخیر در پرداخت هزینه های انجام شده درمانی خود که توسط بیمه دانا باید پرداخت شود معترض هستند. این در حالی است که به دلیل نپرداختن پول به مراکز درمانی و آزمایشگاه ها و بیمارستانی اغلب این مراکز قراردادهای خود را با این شرکت بیمه ای لغو کرده اند.

## کمبود نیرو در ایران خودرو!



**ایران خودرو**

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، گروه زیادی از کارگران و کارکنان ایران خودرو در نوشتارهای نصب شده در پنل های اطلاع رسانی به کسری و کمبود نیرو در سالن های تولیدی معترض هستند. در سال گذشته بیش از ۲ هزار کارگر، بازنشسته شده ایران خودرو را ترک کرده به خانه رفتند و هیچ کارگری به جای آنان استخدام نگردید. این در حالی است که در ۵ سال گذشته حتی ۲۰ درصد هم به جای بازنشستگان، استخدامی صورت نگرفته است.

فشار کاری در خطوط تولیدی، اضافه کاری های اجباری و بازنشسته نکردن کارگرانی که در سال قبل به بازنشستگی رسیده اند و امسال قرار است بعد از پرداخت ۴ درصد سخت و زیان آور به سازمان تامین اجتماعی در مرداد ماه کارخانه را ترک کنند، از مهمترین موضوعات کارگری ایران خودرو شده است.

کارگران در نامه ای به مدیرعامل و مدیر منابع انسانی کمبود نیرو را صدر مشکلات خود دانسته اند.

مدیران ایران خودرو در این خصوص روزه سکوت گرفته اند.

## اخبار پروژه های نفت و گاز!



### ۱- روز کارگر در پروژه ها!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا از پتروشیمی کیمیا دالاهو و پتروشیمی صدف از عسلویه، مدیران این پتروشیمی ها برای برگزار نشدن جشن روز کارگر در این پتروشیمی ها درب های پتروشیمی را بر روی کارگران از صبح روز ۱۲ اردیبهشت بستند. در این دو پتروشیمی کارگران با پیام های سندیکا از اول فروردین به پیمانکاران هشدار دادند تا ۱۵ درصد افزایش دستمزدها را طبق اعلام وزارت کار باید در قراردادها اعمال کنند. از اواخر فروردین بسیاری از پیمانکاران به کارگران پیام های متفاوتی از عدم افزایش دستمزدها تا افزایش ۲۰ درصدی حقوق را دادند که مورد قبول کارگران قرار نگرفت و از اوایل اردیبهشت کارگران با نفوذ سندیکایی با تهدید یا پذیرش ۲۰ درصدی افزایش و یا اخراج روبرو شدند. مدیریت پتروشیمی ها احساس کردند روز کارگر به احتمال زیاد روز اعتراض جمعی کارگران پروژه ای در این پتروشیمی ها باشد، به همین خاطر درب سایت را بسته و به کارگران گفتند تا پایان تعطیلات روز شنبه به خانه های خود رفته و کار تعطیل است. نیروهای انتظامی و حراست منطقه ویژه سرکشی های مرتب به این دو پتروشیمی دارند. بی تردید از روز یکشنبه اتفاقات خاصی در این پتروشیمی ها برای کارگران خواهد افتاد.

### ۲- پیمانکاران باید قانون را بپذیرند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به اعلام افزایش ۳۵ درصدی دستمزدها توسط وزارت کار برای سال جاری بخشی از پیمانکاران این موضوع را نپذیرفته اند: جوشکاران

پیمانکار ذبیح رحمانی در پتروشیمی رجال با موافقت نکردن پیمانکار برای افزایش قانونی ۳۵ درصدی کارگاه را ترک کردند. شرکت بدنام کیسون در پتروشیمی دنا نه تنها افزایش ۳۵ درصدی را نپذیرفته بلکه حقوق اسفند کارگزارانش را نپرداخته و بیمه مرداد و مهرماه سال قبل کارگزارانش را هم به تامین اجتماعی واریز نکرده است و ۷/۲۳ را اعمال می کند. در پایان اسفند هم کارگاه را تعطیل کرده و ۱۵۰ کارگرش را به مرخصی اجباری فرستاده است تا بیمه و حقوق کارگران را بیشتر عقب بیاورد. سرپرست این پروژه ظالمانه مهندس فلکی و معاون شرکت مهندس سلمانی هستند. به همین خاطر کارگران با تماس های مکرر این مهندسین به کارگاه بازنگشتند.

دوستان کارگر باز هم تاکید می کنیم رعایت مقررات کمپین ۱۰/۲۰ و به ویژه افزایش ۳۵ درصدی دستمزدها به نفع همه کارگران است و باید اجرایی شود. باز هم تاکید می کنیم برای این دو شرکت کار نکنید تا بدون کارگر بمانند و خودبه خود از پروژه ها بیرون انداخته شوند و یا اینکه مقررات کمپین را بپذیرند که به نفع همه کارگران است. اتحاد سفره های ما را پر بار خواهد کرد. کارگر برادر کارگر

### ۳- به تفرقه اجازه ظهور ندهیم!

طبق اطلاعات رسیده به سندیکا، در ایام نوروز بخشی از جوشکاران هفشجانی بدون اطلاع سایر جوشکاران اقدام به برگزاری نشستی نموده و برای دستمزد سال ۱۴۰۳ جوشکاران سرازیر افزایش قیمتی را تعیین نموده اند. نشست های این چنینی و هم اندیشی برای بهبود دستمزدها نه تنها مذموم نیست بلکه بسیار عالیست اما نه فقط برای یک رشته و جدا کردن جوشکاران از سایر شغل ها. کاش حداقل در این مورد از برادران ایذه ای خود که در امر کمپین تجربه دارند دعوت به این جلسه هم اندیشی می کردند. کمپین های اول و دوم اگر موفق شد فقط به این خاطر بود که همه شغل ها با هم متحد شده برای افزایش دستمزدها هم لیست بیرون دادند و هم برای تک تک شغل ها خواستار افزایش دستمزدها شدند. و پس از موفقیت و افزایش حقوق همه رشته های شغلی با هم به پروژه بازگشتند چه کمکی، چه جوشکار، چه فیتور و داربست بند و چه رنگ و عایق و... جوشکاری که دستمزد خوب می گیرد می تواند چشم بر گرسنگی خانواده کمکی خود بریندازد؟ اگر می خواهیم باز هم موفق باشیم باید این اتحاد را حفظ و خرد جمعی را تقویت کرد. امسال هم باید برای همه شغل ها افزایش دستمزد اتفاق بیفتد. اگر سال قبل کمپین به موفقیت کامل نرسید فقط به دلیل دسته بندی های شکل گرفته بود. اتحاد را تقویت و تفرقه را از خود دور کنیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران/ گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها ۱۶  
فروردین ۱۴۰۳

#### ۴- پیمانکار بدحساب کیوانی تحریم کارگری است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روز ۱۸ اسفند در سایت ۱ آغاچاری شرکت صنایع انرژی ایران از هلدینگ خلیج فارس یک جوشکار مخزن که برای پیمانکاری به نام کیوانی کار می کرده است به دلیل پرداخت نشدن حقوق همراه خود با آتش زدن خود تلاش نمود خودکشی کند. ۱- به همه کارگران می گوئیم خودکشی راهکار یک کارگر فنی و پروژه ای نیست و با این کار خانواده خود را بی پناه رها می کنیم و این انسانی نیست. ۲- اگر دستمزدها با تأخیر روبرو شد با دست کشیدن از کار و مطلع کردن حراست و مدیریت پروژه و اداره کار، پیمانکار را تحت فشار گذاشته تا دریافت کل دستمزد از کارگاه خارج نشوید. ۳- با مطلع کردن سندیکا از این رویداد نام پیمانکار بدحساب را به تمامی کارگران اطلاع داده او را تحریم کارگری کنید تا بدون کارگر مانده و از پروژه های نفت و گاز اخراج گردد. اتحاد ما راهگشای زندگی ماست. کارگران قدرتمند، سندیکای قدرتمند خواهند داشت

#### ۵- اعتصاب کارگران پروژه ای نیروگاه بوشهر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای شرکت های عمران آذرستان و شمس عمران، شرکت پارس نصب تاراز واقع در نیروگاه اتمی بوشهر، به دلیل کمی حقوق و رعایت نشدن قوانین ۱۰/۲۰ دست از کار کشیدند. پیمانکاران شرکت های واقع در این نیروگاه از جمله محمدجواد قبادی پور و سرپرست کارگاه اصغر شجاعی حقوق جوشکاران و مونتاژکاران را ۱۶ تا ۲۵ میلیون با ۷ روز مرخصی و ۲۳ روز کار برای کارگران غیر بومی و برای کارگران بومی ۳ روز مرخصی و ۲۷ روز کار تعیین کرده اند. این شرکت ها و عوامل پیمانکارش راضی به افزایش حقوق و رعایت قوانین کمپین ۱۰/۲۰ نیستند و به همین دلیل کارگران از ۱۷ اسفند دست به اعتصاب زده اند. این در حالی است که این شرکت ها با قراردادهای دلاری بسته شده با روس ها فقط از افزایش قیمت دلار سودهای نجومی می برند ولی برای افزایش حقوق، می میرند و زنده می شوند.

#### ۶- پیروزی کارگران پروژه ای نیروگاه بوشهر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با انتشار خبر اعتصاب کارگران پروژه ای شاغل در شرکت عمران آذرستان، شمس عمران، پارس نصب تاراز در نیروگاه بوشهر توسط سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، مذاکرات برای پایان دادن به اعتصاب از سوی مدیریت شرکت ها و افزایش حقوق ها از سوی کارگران آغاز گشت. پس از مذاکرات طولانی در ۲۱ اسفند

مدیریت شرکت ها پذیرفت قوانین کمپین ۱۰/۲۰ را رعایت کند و همچنین افزایش حقوق ها طبق نظر کارگران را اجرایی کنند و اعتصاب با موفقیت پایان یافت. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن شادباش این پیروزی، به کارگران پروژه ای نیروگاه بوشهر به آنان یادآور می شود اتحاد و همفکری و تصمیم جمعی است که پیروزی ها را رقم می زند. پیروزی هر کارگر، پیروزی و سربلندی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک است.

## ۷- برای شیدان کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پای بست در آغاچاری در زمان استخدام به کارگران وعده اجرای مقررات کامل ۱۰/۲۰ را می دهد اما در زمان پرداخت دستمزدها زیر قولش می زند. آقای کریمی که سرپرست کارگاه این شرکت است تمامی کارگران پایبند کار خود و نفقات ستادی را اخراجی اعلام کرده چون کارگران نسبت به دستمزدهای پرداختی معترض بودند. دستمزد کمتر از ۲۵ میلیون برای کارگران اجرایی و دفتری و کنترل کیفیت در نظر گرفته و پرداخت شده است. سندیکا به کارگران توصیه می کند قراردادهای خود را به همراه ریز دریافتی ها را به اداره کار برده و از این شرکت شکایت کنند و سندیکا هم به آنان کمک خواهد کرد. آقای کریمی، بی شرافتی است بعد از انجام کار برای کارگر حقه بازی در آورد. آیا باید در شهرستان و در مقابل خانواده تان، کارگرانی که شما باعث پامال شدن دستمزدشان شده ای آبرویت را ببرند؟ سندیکای قدرتمند با کارگران آگاه و حق خواهی شکل می گیرد.

## ۸- سایت ۱ آغاچاری همچنان در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از خودسوزی یک کارگر در شرکت صنایع انرژی از هلدینگ خلیج فارس، کارگران خشمگین به خاطر این موضوع و به دلیل عقب افتادن حقوق ها همچنان در اعتصاب به سر می برند. این در حالی است که پیمانکاران احمد انصاری از شرکت حقوق ها را گرفته ولی به کارت کارگران واریز نکرده است و پاسخ تلفن های کارگانش را هم نمی دهد. همچنین پیمانکار یزدانی پول صورت وضعیت خود را دریافت کرده اما به جای پرداخت به کارگران آن را در خرید یک گاوداری در شهرستان بهمنی سرمایه گذاری کرده است. متأسفانه مدیریت شرکت صنایع انرژی چشم بر روی این خلافتکاری ها بسته و شب عید کارگران را به حال خود رها کرده است. به کارگران توصیه می کنیم تا پرداخت کامل حقوق ها از پروژه بیرون نروند و به وعده های احتمالی بی اعتنایی کنند و به مدیریت سایت ۱ آغاچاری فشار بیاورند تا آنان و یا شرکت دستمزدهایشان را بپردازد. به همه کارگران پروژه ای تاکید می کنیم برای پیمانکاران احمد انصاری و یزدانی کار نکنند و هر دوی این شیدان را تحریم کارگری کرده و به همه کارگران پروژه ای

بشناسانند تا دیگر هیچ کارگری با این شیادان کار نکند تا از پروژه ها بیرون انداخته شوند. حذف پیمانکاری ها خواست همه کارگران ایران است و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای آن می کوشد.

## ۹- اعتصاب در نیروگاه رودشور!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران شرکت نصب نیرو در نیروگاه رودشور به پیمانکاری امیر صارمی و میرزا موسوی به دلیل عقب افتادن دستمزدهایشان از روز دوشنبه ۲۲ اسفند دست به اعتصاب زده اند. امیر صارمی دستمزد دیمه و بهمن ماه کارگران را نپرداخته است و جوابگوی کارگران هم نیست. میرزا موسوی هم نصف دستمزد آبان و آذر کارگران را پرداخته و طی تماسی با رانندگان سرویس های حمل و نقل به آنان دستور داده کارگران را به نیروگاه نبرند تا اعتصاب گسترش پیدا نکند. حذف پیمانکاری ها خواست همه کارگران ایران است و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای آن می کوشد.

## ۱۰- عمل غیرقانونی شرکت ارس فولاد اصفهان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت ارس فولاد اصفهان به مدیر عاملی مهندس سید اشرف و پیمانکاری حجت شجاعی راکی که در مجتمع چادرملو مستقر است از کارگران اورهال خود مبلغ ۴ میلیون ۶۰۰ هزار تومان بابت ۴۰ روز کار بیمه و مالیات کسر کرده است. این در حالی است که هیچ توافقی برای کسر این مبلغ با کارگران نشده بود. کار اورهال یعنی اینکه کارگری توافق می کند طی بازه زمانی معین کاری خاص را به صورت مبلغ کارکردی معین و خالص دریافت کند. این عمل شرکت ارس فولاد اصفهان و مدیرعاملش مهندس سید اشرف و پیمانکار مربوطه حجت شجاعی راکی که حتی پاسخ تلفن کارگزارانش را



هم نمی دهد عین دزدی از جیب کارگران است. نه بیمه و نه مالیات به عهده کارگر نیست و این کسورات قانونی به شرکت برمی گردد که با شرکت بالا دستی بسته است. به همه کارگران تاکید می کنیم نام این شرکت دغلکار (ارس فولاد اصفهان) و سید اشرف مدیرعامل و حجت شجاعی راکی را همه جا مطرح کنند تا کارگران به دام این شیادان نیفتند.

## ۱۱- وضعیت کارگران پروژه ای فولاد میانه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وضعیت کارگران پروژه ای پایپینگ کار فولاد میانه به پیمانکاری محمد جواد قبادی پور و سرپرست کارگاهی اصغر شجاعی به این صورت است که دستمزد کارگران همیشه بین ۳ تا ۴ ماه عقب می افتد و کارگران ۲۲ روز کار و فقط ۸ روز مرخصی دارند. دستمزد کارگران جوشکار آرگون ما بین ۳۵ میلیون تا ۴۷ میلیون بسته به مقدار انجام کار و یا نزدیکی با سرپرست کارگاه تعیین می شود. البته طبق کمپین ۱۰/۲۰ امسال حقوق جوشکار آرگون ۶۰ میلیون تومان برای ۸ ساعت کار برای ۲۰ روز است. اصغر شجاعی سرپرست کارگاه به کارگران با تهدید می گوید: «هر چی ما میگیریم باید اجرا بشه» و برای ترساندن کارگران کارت جعلی وزارت اطلاعات را به کارگران نشان می دهد. توصیه و راهکار سندیکای فلزکارمکانیک به کارگران، اول: کسی که عضو یک نهاد اطلاعاتی و امنیتی است هرگز خود را این چنین آشکارا معرفی نمی کند. دوم: کارگران می توانند به وزارت کار، مدیریت فولاد میانه، و حراست نامه ای نوشته و از عقب افتادن حقوق خود شکایت کنند. طبق قانون کار دستمزد کارگر بصورت روزانه یا هفتگی و یا ماهانه باید پرداخت گردد. در هیچ کجای قانون نوشته نشده که کارفرما می تواند حقوق را حتا برای یک روز عقب بیندازد و این قابل تعقیب در مراجع قضایی است.

## ۱۲- اصغر شجاعی کارمند وزارت اطلاعات نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اصغر شجاعی که کارگری جوشکار است و حالا به عنوان سرپرست کارگاه فولاد میانه انتخاب گردیده است برای تهدید کارگران پروژه ای نه تنها اعلام کرده کارمند وزارت اطلاعات است بلکه با خبرچینی تلاش می کند کارگران را اذیت کرده و حقوقشان را پایمال کند. از جمله شاهکارهای ایشان دست بردن در قراردادهاست و قرارداد ۸/۲۲ را تبدیل به ۶/۲۴ می کند و به زور به کارگران می خواهد به قبولاند که دست در قرارداد نبرده است. ایشان و اسحاق محمودی که هر دو وزیر اقتصاد هستند به کارگران پروژه ای می گویند: «افزایش دستمزدها ایجاد تورم می کند» و کمپین ۱۰/۲۰ را خیانت به کارگر می دانند. به اسحاق محمودی و اصغر شجاعی می گوییم دست از این کارهای کثیف برداشته تلاش کنند برای خانواده خود نان حلال برده و ناله نفرین کارگران را به جان نخرند. همچنین با این اعمال زشت خود نام قوم قهرمان لر را خراب نکنند.

## ۱۳- شرکت دخلکار لیدوما!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت لیدوما زیر مجموعه نفت ستاره بندرعباس به مدیرعاملی آقای شهریور و امیران در حق کارگران اورهال ریگر خود شیادی کرده به هر کدام حداقل ۱۰ تا ۱۵ میلیون کم پرداخت کرده اند. کارگران در بهمن ماه قراردادی برای افزایش حقوق با لیدوما بستند که دستمزد روزانه از ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان به ۱ میلیون ۸۰۰ هزار تومان افزایش یافت. اما حالا که کار تمام شده و کارگران اعتماد نموده به خانه ها رفته اند کارفرمای شیاد لیدوما همان حقوق ۱ میلیون ۴۰۰ هزار تومان را برای ۴۰ کارگر محاسبه و به ایشان پرداخت کرده است. شیادی دیگر این شرکت ارسال لیست بیمه نه مطابق حقوق های دریافتی کارگران بلکه طبق جدول وزارت کار با حقوق ۱۵ میلیونی است. از سوی دیگر به کارگران اورهال گفته سنوات و عیدی برای کارگر اورهال محاسبه نخواهد شد که قانونی نیست. طبق قوانین سندیکایی و قانون کار هیچ کارگری را نمی توان از حقوق قانونی خود محروم ساخت و سنوات و حتا بیمه و عیدی جزو حقوق کارگران است و باید پرداخت شود. آقای شهریور و آقای امیران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از شما می خواهد مابقی حقوق کارگران طبق قرارداد بهمن ماه و همچنین عیدی و سنوات را پرداخت کنید و برای خود دردرس ایجاد نمایید .

## ۱۴- شرکت بدحساب لیدوما را بهتر بشناسیم!

نامه زیر از سوی کارگران پروژه ای شرکت لیدوما برای سندیکا فرستاده شده است: «سلام و درود، پارسال اورهال بندرعباس شرکت نفت ستاره کار کردیم که مدیرعامل و رییس شرکت در بندرعباس مهندس امیریان و مهندس شهریور بودند. پیمانکار اورهال شرکت لیدوما بود این شرکت با جذب نیرو با هزاران ترفند حق خوری و نامردی در حق همه کارگران قول ادامه کار تا اردیبهشت امسال را داد با قرارداد منصفانه که حق کارگر ضایع نشود، ولی متأسفانه بعد از یک ماه کار خیلی ها را تسویه داد و قول داد که بعد از چند روز استراحت دوباره از اول بهمن شروع به کار کرده و نفراتی که تسویه داده و یا مرخصی هستند را مجدد به کار بگیرد ولی متأسفانه به قولش عمل نکرد. از اواخر دیماه سال گذشته شروع به استخدام نیروهای جدید کرد با قرارداد جدید و دوباره قول ادامه کار تا اردیبهشت امسال را با طرفین قرارداد اعلام نمود، بعد از یک ماه کار دوباره شروع به ریزش نیرو کرد و نیروها را یکی بعد از دیگری اخراج و تسویه داد. نیروها هم بعد از اخراج و تسویه با اینکه قرارداد داشتند با توجه به اینکه مبلغ قرارداد نوشته بود ولی شرکت لیدوما با توجه و بنا به میل خودش مبلغ قرارداد را با مبلغ خیلی کمتر واریز کردند که با اعتراض تعدادی از نیروها جلوی دفتر مرکزی لیدوما در شیراز قول مابه التفاوت حقوق بهمن ماه را اعلام داشته اند ولی خبرها بر این عنوان گزارش شده است که شرکت لیدوما برای دست به سر

کردن نیروها قول داده و قصد پرداخت هیچ واریزی از حقوق کارگران را ندارد. خواهش می‌کنم از شما به عنوان حامی کارگران فریادرس این کارگران باشید. تعدادی هم که اسفند کار کرده‌اند هنوز حق و حقوقشان را دریافت نکرده‌اند» سندیکا: «با توجه به قرارداد بسته شده با سرپرست کارگاه اورهال که طبق قانون کار یکی از مسوولین شرکت محسوب می‌شود کارگران می‌توانند دسته جمعی از این شرکت شکایت کرده و حقوق قانونی خود را طلب کنند»

### ۱۵- برای پیمانکار رضائی کار نکنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت بیدک در سایت ۳ نفتی حوالی امیدیه معروف به دره عباس که پروژه احداث نم‌زادایی و جمع‌آوری فلزهای منطقه مستقر است و کارهای سیویل، ساب‌استیشن، فایر استیشن، جدول‌کشی و منهول‌بندی را کنتراست گرفته است. این شرکت تمامی این کارها را به پیمانکار رضائی به پیمان داده است. رضائی هم که برای اولین بار است وارد پروژه های نفتی شده است نه تنها به قوانین تبعیت نمی‌کند بلکه برای سودجویی بیشتر نه عیدی و نه سنوات به کارگران نداده است. حقوق کارگران در این پیمانکاری روزانه بین ۵۵۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است. به بهترین قالب بند درجه یک روزانه ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان را برای ۶/۲۴ قرارداد بسته است. او به ۱۰۰ کارگر خود فشار آورده است که در پایین قراردادهای بنویسند همه حق و حقوق خود را از این پیمانکار دریافت کرده و هیچگونه طلبی ندارند که بعضی از کارگران امضا نکرده‌اند. وضعیت غذای کارگران مطلوب نیست و فقط جمعه‌ها به کارگران یکی دو تا میوه می‌دهند. این پیمانکار نه تنها شماره ثبت ندارد بلکه فقط روی پیراهن کارگران نام این پیمانکار نقش بسته است. متأسفانه با این حقوق‌های پایین فقط کارگران بومی منطقه جایزون امیدیه برای کار به این پیمانکاری مراجعه می‌کنند. کارگر بومی که طی یکساعت از خانه به محل کار می‌آید از پیمانکار هیچ مبلغی بابت رفت و آمد نمی‌گیرد. ۱۵ کارگری که قراردادهای امضا نکردند چند روز مانده به عید اخراج شدند.

### ۱۶- قوانین کمپین ۲۰/۱۰ باید رعایت شود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از شرکت سپید دانه در پروژه توسعه فولاد سیرجان خبر می‌رسد که دوستان کارگر پاپینگ کار قراردادهای امسال خود را ۲۰/۱۰ با ۳۰ درصد افزایش بسته‌اند. از همه کارگران می‌خواهیم دستاوردهای کمپین ۲۰/۱۰ را نادیده نگرفته و قراردادهای خود را با کارفرمایان با ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت برای ۸ ساعت کار طبق مقررات کمپین ببندند. از ابتدای سال به همه کارگران پروژه ای اعلام کردیم که کفایت ۳۵

درصد به حقوق سال گذشته خود طبق مصوبه وزارت کار اضافه کرده قراردادهای خود را طبق مقررات ۲۰/۱۰ بنویسند. اگر کارفرمایان قبول نکردند با کمین آنها را وادار به افزایش حقوق خواهیم کرد. باز هم تکرار می کنیم ۲۰ روز کار با ۸ ساعت کار و بیشتر از این ساعت اضافه کار محسوب خواهد شد. دوستان کارگر، روزی خواهد رسید که شرکت های پیمانکاری را از پروژه ها حذف کرده طبق قراردادهای شرکت نفت ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی کار خواهیم کرد. این روز دیر نیست و فقط به اتحاد ما بستگی دارد. کارگر متحد کارگر. سفره همه کارگران یکی است.

**گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک**

### ۱۷- تحریم کارگری!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت ساتراپ مستقر در پتروشیمی دنا حقوق کارگرانی که سال گذشته در بهمن ماه برای کار کرده بودند را در آخر فروردین امسال پرداخت کرد. این شرکت بدحساب حتما مبلغ لیست بیمه دیماه کارگرانش را هم به تامین اجتماعی رد نکرده است. شرکت ساتراپ در آگهی های کاری که منتشر کرده است دنبال استخدام جوشکار و مونتاژ کار است. بدین طریق به همه کارگران جوشکار و مونتاژ کار بیکار اعلام می کنیم از کار کردن برای این شرکت بدحساب خودداری کنند تا بدون کارگر مانده و دیگر از این غلط ها نکند. شرکت ساتراپ در پتروشیمی دنا توسط سندیکای کارگری و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها، تحریم کارگری است.

### ۱۸- تحریم کارگری پیمانکاران بدحساب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت ساتراپ مستقر در پتروشیمی دنا حقوق کارگرانی را که سال گذشته در بهمن ماه کار کرده اند را در آخر فروردین پرداخت کرده و لیست بیمه کارگران از دیماه تاکنون به بیمه ارسال نگردیده است و در حال حاضر دنبال جوشکار و مونتاژ کار می گردند. همچنین ۱۵۰ کارگر شرکت آوای جهان بین پترو پالایش مکران جاسک که در خصوص افزایش دستمزد طبق کمپین اعتصاب کرده بودند با توهین پیمانکار رامین خسروی اهل هفتشجان روبرو شده و ۱۰ نفر را اخراج و سپس با مقاومت کارگران ۲۰ درصد به حقوق ها افزوده است. از همه کارگران می خواهیم که برای کار به پیمانکار رامین خسروی مراجعه نکنند و شرکت ساتراپ را نیز بدون مونتاژکار و جوشکار بگذارند تا این شرکت های بدحساب بدانند کارگران با هم اتحاد دارند و اجازه این گونه حق خوری ها و توهین ها را نخواهند داد. رامین خسروی با این بی تربیتی شخصیت خود را به نمایش گذاشته

و این بد دهنی را به حساب کارگران با شرف هفشجان نخواهیم گذاشت. کارگران غیرتمند هفشجان جواب این توهین رامین خسروی در شهر سکونتش خواهند داد.

## ۱۹- رعایت قوانین کمپین ۲۰/۱۰ به نفع کارگران است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۱۲۰۰ کارگر فازهای ۲۲ و ۲۴ و پالایشگاه ۱۲ با تحمیل کارفرما از جمله شرکت پردکو، قرارداد های خود را با ۲۵ درصد افزایش امضا کردند. این در حالی است که طبق مقررات کمپین و اعلام لیست حقوقی نمی بایستی هیچ کارگری کمتر از ۳۵ درصد افزایش را قبول کند و قراردادی امضا کند. متأسفانه با خیر می شویم که در بعضی دیگر از پروژه ها کارگران با ۲۰ درصد افزایش و ۲۲ روز کار قرارداد بسته اند. از جمله در شرکت آوای جهان بین، پترو پالایش مکران، دوستان کارگر، رعایت قوانین کمپین ۲۰/۱۰ به نفع شما و همه کارگران است. هیچ کارگری حق ندارد ۲۰ روز کار ۱۰ روز مرخصی را نادیده گرفته و قرارداد امضا کند.

## ۲۰- تحریم کارگری پالایشگاه ششم پارس جنوبی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پیمانکاری «پیمان جاری» در پالایشگاه پارس جنوبی در اعتراض به قراردادهای غیر قانونی این پیمانکاری که افزایش دستمزدها را نه بر اساس دستور سندیکای کارگری و قوانین کمپین ۱۰/۲۰ بلکه پایین تر از ۳۵ درصد تلاش داشتند به کارگران تحمیل کنند، ۲۲ کارگر معترض را که این قراردادها را امضا نکرده بودند برای ترساندن سایر کارگران، اخراج کردند. تهدیدهای مدیریت و حراست در چند روز گذشته نتوانست اراده این کارگران را بشکند و آنان به قراردادهای ضد کارگری تن ندادند. به همین خاطر و برای حمایت از کارگران معترض پالایشگاه ششم پارس جنوبی، این پالایشگاه و همه پیمانکاری های مستقر در آن تحریم کارگری هستند و کارگران از کار کردن در این پالایشگاه باید خودداری کرده تا مدیریت این پالایشگاه بداند بی قانونی چه تبعاتی دارد. دوستان کارگر، با این تحریم کارگری به برادران خود کمک کنیم تا بتوانند به خواسته های خود برسند و مدیریت وقتی بدون کارگر بماند مجبور است افزایش دستمزدها را رعایت کند. همچنین سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از همه دوستان کارگر می خواهد برای این ۲۲ کارگر انساندوست و قانونمند سریع کار پیدا نموده تا معلوم شود برادران مان را تنها نخواهیم گذاشت و خانواده های آنان خانواده ما هستند.

## ۲۱- در شرکت کیان سازه بنوار پتروپالایش کنگان چه می گذرد؟!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت کیان سازه بنوار در کارگاه پتروپالایش کنگان به سرپرستی فرهاد کیانپور نسبت به اجرای حقوق قانونی کارگران سرپیچی می نماید. لیست بیمه ها برابر با سمت شغلی رد نکرده بصورت کارگر ساده به تامین اجتماعی می دهد، دستمزدها بسیار پایین می باشند و نابسامانی رفاهی در کمپ میانلو بیداد می کند. با اینکه آمار کارگران نزدیک به ۷۵۰ نفر می باشند؛ ولی سرویس های بهداشتی و حمام ها برای این تعداد فقط ۴۰ عدد می باشد. به همین دلیل صف دستشویی و حمام ها همیشه شلوغی می باشد و بسیار پیش آمده است که کارگران به دلیل شلوغی با همدیگر زد و خورد داشته اند. شام کارگران عدسی، فلافل، سوسیس و کالباس است. این شرکت در سال گذشته دستمزدهای حقوقی را دو بار پرداخت می نمود و در بار دوم دو سه میلیون تومان پولی را که می خواست پرداخت نماید از کارگران رسید می گرفت و از آنان در هر ماه امضا می گرفت که اینجانب فلانی همه حقوق و مزایای قانونی خودم را دریافت نموده ام. به گزارش رسیده از کارگران، این شرکت هنوز برای افزایش ۳۵ درصدی دستمزد که دولت دستور انجام آن را داده است هنوز سخنی نگفته و می گویند بایستی ببینیم عرف منطقه مزد چه می شود تا ما هم همان را به انجام برسانیم. اما برای فیترها و بعضی رشته های کاری ۱۰ درصد افزایش حقوق در نظر گرفته اند. تاکنون بیشتر شرکت های پیمانکاری زیر بار ۳۵ درصد افزایش دستمزد نرفته اند. تاکنون بسیاری از کارگران برای افزایش ۳۵ درصدی دستمزد دست به اعتصاب و اعتراض زده اند و بایستی ببینیم کارفرمایان در برابر قانون تصویب شده دولت چه می کنند؟ سندیکای کارگری از همه کارگران می خواهد زیر بار افزایش کمتر از ۳۵ درصد قانونی طبق گفته کمپین نروند.

## ۲۲- التهاب در پتروشیمی صدف!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اعتصاب دو روز پیش رانندگان کامیون و اتوبوس، بسیاری از کارگران به دلیل نبود خودرو به محل کار خود در عسلویه، بزباز، شیرینو نرسیدند و تمام تلاش پیمانکاران برای تهیه مینی بوس به نتیجه مطلوب نرسید. از سوی دیگر پیمانکاران شرکت جهانپارس در پتروشیمی صدف با تهدید کارگران مبنی بر افزایش ۳۵ درصدی حقوق ها روبرو هستند که شوربختانه مدیریت شرکت جهانپارس با مقاومت در برابر این خواسته قانونی کارگران، به پیمانکاران تاکید کرده است ۳۵ درصد افزایش را نپذیرند. این در حالی است که کارگران پیمانکاری پایدار که همیشه پیشگام در پذیرش قوانین کمپین ها بوده است به کارگران پیغام داده بود که افزایش ۲۲ درصدی و پشت کارت ۳ روزه را بپذیرند که با اعتصاب کارگران ۳۵ درصد افزایش را پذیرفت و کارگران به پیروزی دست یافتند. همچنین پیمانکار زندیان مجری پایپینگ نیز ۳۵ درصد افزایش را پذیرفته و کارگران به حق خود دست یافتند. پیمانکاری جهان رادین فقط ۲۳ درصد افزایش دستمزد را اجرایی کرده، شرکت رستاک مجری ابزار دقیق ۲۲ درصد و با ۲۳ روز کار و ۷ روز مرخصی را

به کارگران می خواهد تحمیل کند. در شرکت جهانپارس پیمانکاران تلاش دارند دستاوردهای کمپین ۱۰/۲۰ را بی اثر کرده و حقوق ها را پایین نگه دارند. برای مثال دستمزد مونتاژکار ۲۳ تا ۲۷ میلیون و کمکی ها ۱۱ تا ۱۲ میلیون و کارگران حراست ۱۵ میلیون حقوق می گیرند. به جز این مسایل در زمان استخدام نیرو، کارگران حداقل دو روز باید در بیرون پتروشیمی در بیابان بدون دسترسی به آب و غذا و دستشویی سر کنند تا استعلام مدارک شان تایید شود. پیام سندیکای کارگری به کارگران پتروشیمی صدف و همه کارگران در پروژه های مختلف این است که به کمتر از ۳۵ درصد افزایش دستمزدها قرارداد ببندند و به هیچوجه اجازه ندهند ۱۰/۲۰ به ۸/۲۲ تبدیل شود.

## اخبار سکوهای نفتی!

### ۱- کارگران نفت همچنان معترض!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران عملیاتی شرکت فلات قاره سکوی لاوان امروز ۲۵ اسفند مطابق هر هفته بر روی محوطه سکو آمده و اعتراض خود را نسبت به بی اعتنائی مسوولین شرکت نفت به خواسته های ۶ گانه خود اعلام کردند. برکناری مدیران نالایق، حذف سقف حقوق و اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی، رفع تبعیض بین مشاغل در مناطق عملیاتی، دست ها از صندوق بازنشستگی کوتاه. آنان می گویند: گل بود به سبزه نیز آراسته شد. مطابق مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت، به هر کارمند جدید الاستخدام در سال ۳۰ روز مرخصی استحقاقی تعلق می گیرد که وقتی سابقه اش از ۱۰ سال بیشتر شد، مرخصی به ۳۳ روز افزایش می یابد و پس از اینکه سابقه ۲۰ سال را گذراند، مرخصی اش ۳۶ روز در سال می شود. کارمندان بالای ۲۰ سال که عمدتاً بسیار متخصص و مجرب هستند و در طرح اقماری باید حتمن یکی از دو متخصص مقابل هم در منطقه حضور داشته باشد تا تولید

دچار اختلال نشود، متأسفانه بدلیل اینکه سالها جذب نیرو صورت نگرفته یا بخش زیادی از متخصصین بدلیل شرایط نامناسب حقوق و مزایا و عدم احترام از سوی شرکت، شرکت را ترک کرده اند، مرخصی رفتن برای این دسته از کارکنان بسیار سخت شده است چون اگر بعد از ۱۴ روز کار بخواهند بجای مرخصی جبرانی از مرخصی استحقاقی استفاده کنند، طلب مرخصی جبرانی شان زیاد می شود و امور اداری اخطار می دهد. از طرف دیگر، قانونی وجود دارد که کارمند می تواند به اندازه نصف مرخصی ای که استفاده کرده، مرخصی استحقاقی خود را به شرکت بفروشد، یعنی اگر مثلاً شما بخواهید ۱۰ روز از مرخصی تان را بفروشید تا نسوزد، مستلزم این است که ۲۰ روز مرخصی استفاده کرده باشید، این در حالی است که مرخصی رفتن به دلایل پیش گفته تقریباً ناممکن شده است واقعا آقای علی مددی و تیمش از حل کردن این مسائل پیش پا افتاده عاجزند یا چون خودشان ذی نفع نیستند کاری نمی کنند.

## ۲- تجمع کارگران ارکان ثالث!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران و کارکنان ارکان ثالث شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به تبعیض در پرداخت ها در نفت کارت که چندی پیش خبر آن را کار کرده بودیم امروز ۲۶ اسفند تجمع اعتراضی برپا کردند. از دیگر خواسته های این کارگران موضوع پرداخت حقوق است. کارگران می گویند: امور مالی شرکت ملی نفت ایران در اقدامی ناشایست و غافلگیرانه و مودیان، همزمان با حقوق اسفندماه که فاصله ی زمانی اش با حقوق بعدی حداقل ۴۰ روز می باشد و در حالی که مردم برای مخارج عید نوروز و ماه مبارک رمضان به پول بیشتری نیاز دارند، کل مبالغ واریزی به بن کارتها از ابتدای سال تاکنون را یک جا از حقوق اسفند ماه کارکنان کسر نموده و همه کارکنان را در بهت و حیرت فرو برده اند که حالا با این مبلغ ناچیزی که به عنوان حقوق اسفند واریز شده است چگونه باید تا پایان فروردین، مخارج خود را برنامه ریزی نمایند. نمی توان این اقدام مدیریت امور مالی را اشتباه یا سهو دانست بلکه قطعا عمدی برای ضربه زدن به نفتی هاست که ممکن است خدای ناکرده، کارکنان را وادار به مقابله به مثل کرده و عمداً یا سهواً از روی عدم تمرکز، منجر به بروز حوادث در آستانه سال نو یا اختلال در امور تولید و صدور نفت گردد. با وجود این مدیران بی ملاحظه در راس هرم نفت، کشور نیازی به دشمن ندارد و امریکا و اسرائیل هم لازم نیست خودشان را به زحمت بیاندازند چون این مدیران ابله، با دستان خود تیشه به ریشه نفت و نفتی ها می زنند و زمینه را برای نابودی این صنعت مادر فراهم می کنند. امید آنکه سال جدید، سالی توام با عقلانیت بوده و سران نظام به فکر جابجا کردن مدیران نالایق از راس هرم مهمترین صنعت کشور بی افتند. بدلیل محاسبه‌ی بن کارت ذیل سقف حقوق، این اتفاق برای همکاران باسابقه و سقف بگیر رخ داده است! حتی شنیده‌ایم حق مسکن را هم به زیر سقف هل داده‌اند! خدا بخیر بگذراند...



### ۳- کارگران نفت مصمم و پویا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۳۰۰ کارگر ارکان ثالث نفت و گاز در گچساران امروز و ۷۰ نفر از کارکنان و کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری برای دومین روز در مقابل ساختمان مرکزی نفت و گاز آغاچاری دست به یک تجمع اعتراضی زدند. کارکنان آغاچاری دست نوشته ای در دست داشتند: «ما کارشناسان با بستن شیرهای نفت انقلاب را به پیروزی رساندیم و در هنگامه جنگ به تولید ادامه دادیم، آیا حقان این است؟» از سوی دیگر با همه تهدیدها و احضارها ۳۰ کارگر شرکت فلات قاره جزیره خارک تجمع هفتگی خود را برگزار کردند. این تجمعات که بی تردید بعد از عید بسیار پر تعداد خواهد بود ایستادگی کارگران نفت و اتحاد بخش های مختلف صنعت نفت را برای روی خواسته های قانونی شان را به نمایش می گذارد.

## اخبار بازنشستگان



### یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۲ اردیبهشت بازنشستگان در شهرهای اراک، اهواز، اصفهان، کرمان، کرمانشاه، قانمشهر، تبریز، تهران دست به تجمع اعتراض آمیز در خصوص تعلل کانون های بی عرضه بازنشستگی و کانون عالی بازنشستگان و سیاست های ضد کارگری دولت و قانون گریزی آشکار وزارت کار، زدند. در اهواز بیش از ۱۰۰ بازنشسته ضمن راهپیمایی شعار: «ایران پر درآمد / مسوول بی کفایت / چه بر سر تو آورد- زیر بار ستم نمی کنیم زندگی / جان فدا می کنیم / در ره آزادی / ننگ بر این بردگی ننگ بر این بردگی» را دادند. در اراک بیش از ۲۵۰ کارگر ضمن راهپیمایی و تجمع مقابل اداره

تامین اجتماعی شعار: «نه مجلس نه دولت/ نیستند به فکر ملت- ننگ ما ننگ ما/ وزیر الدنگ ما - دولت خیانت می کند/ مجلس حمایت می کند» را سر دادند. در تیریز بیش از ۱۰۰ بازنشسته در حیاط کانون بازنشستگان گرد آمده و اعتراض خود را به وضعیت کنونی معیشت و درمان بازنشستگان اعلام کردند. در کرمانشاه بیش از ۲۰۰ بازنشسته شعار: «اجاره های سنگین/ در این دولت ننگین- فقط کف خیابان/ به دست میاد حقمان» را داده و به سخنرانان خود گوش فرا دادند. در کرمان ۳۰ بازنشسته معترض به داخل کانون بازنشستگی رفته مشکلات خود را عنوان کرده از هیات مدیره خواستند دست از تعلل بر داشته اقدام جدی برای موضوعات مطروحه بکنند.



در تهران بیش از ۶۰ بازنشسته در مقابل کانون عالی گرد آمده و در اعتراض به تعلل کانون ها و وضعیت خراب معیشتی و درمانی به صحبت های سخنرانان گوش دادند. آنان شعار: «وزیر بی مسولیت/ اخراج باید گردد- وزیر سرمایه دار / اخراج باید گردد» و طی نامه ای به کانون عالی نوشتند: «خانواده بازنشسته یک خانواده عادی نیست و دارای عروس و داماد و نوه است» در مورد افزایش مستمری ها طبق ماده ۹۶ تاکید کردند. بیش از ۷۰۰ بازنشسته فولاد در تهران، اصفهان، قائمشهر در مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کرده خواهان اجرای مصوبه ۱۵ مهر ماه شدند و شعار: «بیه اختلاس کم بشه/ مشکل ما حل میشه» را دادند. در همین روز ۱۱ کارگر اخراجی فولاد خوزستان در مقابل مجلس در تهران جهت بازگشت به کار، ۴۰۰ کارگر کاغذ سازی پارس مقابل فرمانداری شوش جهت بازگشت به کار ۱۰۰ کارگر اخراجی، تجمع کردند .

آنچه مشهود است با گرانی های روز افزون و سیاست های ضد کارگری نئولیبرالیستی تجمعات افزایش یافته و تعداد شرکت کنندگان نیز فزونی خواهد گرفت .

## دوشنبه های اتحاد!



به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۳ اردیبهشت بیش از هزار بازنشسته مخابرات در شهرهای شیراز، اصفهان، تهران، همدان، اهواز، اراک، خرم آباد، میوان، سنندج، رشت، اردبیل، کرمانشاه، ارومیه، بندرعباس، کرمانشاه، تبریز در اعتراض به اجرا نشدن آیین نامه استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ و سایر مطالبات معیشتی و درمانی به خیابان آمدند. در تبریز بازنشستگان با شعار: «معیشت خواروبار/ به روز باید گردد» در اردبیل: «قانون بیمه مطالبات/ گمشده تو مخابرات» میوان: «مدیران دروغگو/ خجالت خجالت» سنندج: «اجرای آیین نامه /حق مسلم ماست» همدان: «شرکت پر درآمد/ چه بر سر تو آمد» اهواز: «۱۴ سال خیانت/ مخابرات خجالت» را دادند. در شهرهای تهران و کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی در همبستگی با بازنشستگان مخابرات به جمع آنان پیوستند. در کردستان حضور بانوان بازنشسته چشم نواز بود. آنچه مسلم است در روزهای پیش رو این تجمعات پرشورتر و انبوه بازنشستگان شهرهای دیگری را نیز در بر خواهد گرفت. سیاست های نئولیبرالیستی همه را چه شاغل و چه بازنشسته را گرسنه می خواهد.

## یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز در شهرهای تهران، اهواز، ساری، شاهرود، شوش، اراک هزاران بازنشسته دست به اعتراض زدند. با توجه به خیانت آشکار کانون عالی در اجرا نکردن ماده ۹۶ خشم کارگران با شعارهای داده شده نمایان بود. در شوش ۲۰۰ کارگران معترض کاغذ سازی پارس و بازنشستگان تامین اجتماعی در یک همبستگی

به حمایت از هم برخاسته خواستار عدالت و اجرای قانون شدند. نیکوفرد ضمن تبریک روز کارگر به کارگران کاغذ سازی از تجربیات کارگران نیشکر هفت تپه و سندیکای هفته گفت و اعلام کرد هنوز هم در میدان هستیم برای خواسته های خود. ما خواستار برگشت به کار همه کارگران اخراجی کاغذ پارس، فولاد و هفت تپه و همکار عزیزمان اسماعیل بخشی هستیم. در اهواز ۲۰۰ بازنشسته ضمن راهپیمایی فریاد: «توماج صاچی/ آزاد باید گردد- توماج یه ملت/ ملت و آزاد کنید» را دادند و خشم خود را نسبت به بی عملی کانون عالی اعلام کردند. در اراک ۳۰۰ بازنشسته ضمن اعتراض به اجرا نشدن ماده ۹۶ شعار: «حجاب حجاب شعارشون/ دزدی و غارت کارشون- ریسی بی عرضه /برگرد برو تو حوزه» را دادند.



در تهران ۴۰ بازنشسته زن و مرد در مقابل سازمان تامین اجتماعی گرد آمده و شعار: «خواسته بازنشسته/ حقوق طبق تورم- هم مجلس هم دولت/ دروغ میگن به ملت- افزایش حقوق/ ۶۰ درصد» را داده و سخنرانان در مورد ۸۰ درصد مستمری بگیران حداقل بگیر و زیر حداقل هستند که بیش از ۱۲ میلیون نفر هستند که همگی زیر ۳ برابر خط فقر زندگی می کنند. سخنران دیگر در مورد تفرقه اندازی بین بازنشستگان با عنوان حداقل بگیر و سایر سطوح صحبت کرد که باید این تفرقه اندازی از جانب دولت را خنثا کرد. هزاران بازنشسته فولاد در شهرهای تهران، اصفهان، اهواز، ساری، شاهرود شعار: «این صندوق فولاده/ یا لونه فساد» را دادند.

### سه شنبه های همبستگی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز در نقاطی از کشور به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر تجمعاتی برگزار شد.



در اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی و آموزگاران تجمع اعتراضی داشتند که به دستگیری خانم مریم زلکی و همسر آموزگارشان آقای نوچیان و محمد زمان کامروا بازنشسته تامین اجتماعی، منجر گردید. در شوش کارگران کاغذسازی پارس مقابل فرمانداری شوش مورد تهدید مسوولین کارخانه قرار گرفتند. در سنندج زنان پیشرو با حضور در میان کارگران ساختمانی روز کارگر را تبریک گفته با پخش شیرینی، گل، کارت تبریک و غذا این روز را به همراه این کارگران جشن گرفتند. بیش از ۴۰۰ باننشسته تامین اجتماعی از شهرهای ساری، بابل، قائمشهر در مقابل اداره تامین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند که متأسفانه تعدادی از بازنشستگان دستگیر شدند. در تهران بازنشستگان متحد و مستقل تامین اجتماعی با وجود انبوه پلیس و لباس شخصی ها و زنان پلیس که از ورود آنان به محوطه مقابل مجلس جلوگیری کردند در پارک مقابل برنامه و بودجه این روز را گرامی داشتند. کارگران ارکان ثالث که قرار بود امروز در مقابل مجمع تشخیص مصلحت تجمع اعتراضی داشته باشند را لغو و به فردا موکول کردند. کارگران، بازنشستگان و سایر بازنشستگان صندوق های بازنشستگی در موضوع افزایش دستمزدها و مستمری ها اعتراضات بی پایانی را تدارک دیده اند که امروز یکی از آنان برگزار شد. در کارگاههای عملی، کارگران این روز را به یکدیگر تبریک گفته خود را برای یک حرکت اعتراضی آماده می کنند مگر اینکه کارفرمایان به مقررات کمپین 20/10 تمکین کنند.

## گر به زده حساب خودشو کرد!

به گزارش خیرنگار پیام سندیکا، بعد از انتشار خبری که خیرگزاری مهر در خصوص صحبت های رییس تامین اجتماعی در مورد چگونگی پرداخت مستمری ها در اردبیل زده بود، به سرعت هواداران هیات مدیره بی عرضه کانون های بازنشستگی به میدان آمده موضوع ۲۰ درصد افزایش را تکذیب کردند. جامعه ایران با اینگونه بازی ها آشنایی کامل دارد و می داند برخی شایعات در حقیقت نظرسنجی برای حرکت بعدی مسولین است. به همین دلیل است که با انتشار آن خبر «گر به زده حساب خودشو کرد!»

اما آنچه از آن حرفی زده نمی شود موضوع مهم افزایش چند درصدی مستمری های امسال بازنشستگان می باشد. یک ماه از تعیین ناجوانمردانه حداقل حقوق برای شاغلین می گذرد و می بایستی تاکنون هیات مدیره های بی حال کانون های بازنشستگی و مهمتر از همه کانون عالی بی خاصیت در این مورد نظر خود را اعلام و هم برای آن چانه زنی می کردند. ولی تاکنون نه کانون های بازنشستگی نظر خود را در مورد افزایش مستمری ها اعلام کرده اند و نه کانون عالی می گوید برای چه میزان افزایش می خواهد ماده ۹۶ و ۱۱۱ را مطرح کند.

این سکوت برای چیست؟ آیا حقیقت دارد که کانون عالی می خواهد بین ۲۰ درصد و ۳۵ درصد رقمی را برای افزایش مستمری ها انتخاب کند؟ اگر این چنین نیست بازنشستگان از آقایان اسدی، بیات، دهقان کیا می خواهند بطور شفاف نظر خود را در مورد افزایش مستمری ها اعلام کنند و همچنین برای متناسب سازی چه می خواهد بکنند را اطلاع رسانی کنند.

## بازنشستگان منتظر پاسخ این آقایان هستند؟



## وزیر کار قانون گریز!



در مذاکرات مزدی اسفند ۱۴۰۲ روندی که از سالها پیش به صورت خزنده در وزارت کار لانه کرده بود، چهر عریان خود را نشان داد. حاکم شدن تفکری که حق حیات را برای انسانها قایل نیست. نفوذ تفکر انسان ستیزانه موسسه نذر و اشتغال اصفهان در اتاق بازرگانی به مدد مشاورانی چون غنی نژادها و تدوین لایحه هفتم توسعه و ارسال نمایندگان این تفکر به نشست های شورای عالی کار چه در قامت نمایندگان اتاق بازرگانی و وزارت صنعت و چه در قامت نمایندگان کارفرمایی حاضر در شورای عالی کار و به ویژه بر آمدن وزیر کار و معاونی که منویات موسسه نذر و اشتغال اصفهان را که برگرفته از سیستم تبهکارانه برده داری نوین و مقررات زدایانه نئولیبرالیسم است، را وظیفه خود می دانند. برای آنکه نشان دهیم این تفکر برای رسیدن به قایل نشدن حق حیات برای زحمتکشان چه قوانینی را زیر پا گذاشته اند که می بایست رعایت می کردند را در زیر می آوریم: ۱- دولت و همه وزیران در اصل ۱۲۱ قسم یاد می کنند: «...از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کنم...» اما در این مذاکرات بند ۱۲ از اصل ۳ و بندهای ۱ و ۳ اصل 43 قانون اساسی زیر پا گذاشته شد. ۲- با اخراج اصلی ترین نماینده کارگری مذاکره کننده از نشست های این شورا ماده ۱۶۷ و ۱۶۸ نقض و در طی گفتگوها ماده ۴۱ قانون کار نیز نادیده گرفته شد. ۳- رعایت نکردن انتخابی بودن اعضای کارفرمایی شورای عالی کار که هیچکدام ماهیت کارفرمایی نداشته و فاقد یک بنگاه اقتصادی بوده و منتخب هیچکدام از اتحادیه ها و سندیکاهای کارفرمایی موجود نیستند و بیشتر مشاورین اتاق بازرگانی و انتصابی های وزارت صنعت می باشند. نقض (ماده ۱۶۷) ۴- تخطی آشکار از قوانین امضا شده ILO در خصوص رعایت سه جانبه گرایی و تصویب و ابلاغ زورگویانه حداقل دستمزد بدون امضای اعضای کارگری شورای عالی کار. (ماده ۹ قانون مدنی) ۵- اظهارات غیرقانونی وزیر کار در خصوص ارسال لایحه

به مجلس: «برای تصویب حداقل دستمزد سالانه توسط نمایندگان مجلس» به معنای حذف خودسرانه مواد ۱۶۷ و ۴۱ قوانین کار، بصورت خزنده است.

با توجه به موارد بالا که نشان از قانون گریزی شخص وزیر و معاون ایشان در تصویب و ابلاغ حداقل دستمزد سال ۱۴۰۳ را آشکار می کند و ۴ برابر زیر خط فقر و ۵۰ درصد زیر سبد معیشت تعیین شده در نشست های شورای عالی کار می باشد، این روند نشانگر آن است که وزیر کار به همراه معاونین خود و نمایندگان کارفرمایان حق حیات را برای زحمتکشان ایران قایل نیستند و با این مصوبه سند مرگ خانواده های کارگری را امضا نموده اند. باش تا سیلی زحمتکشان را نوش جان کنید.

## مازیار گیلانی نژاد ۳ فروردین ۱۴۰۳

### برخورد ناشایست و زنده با کارگران پروژه ای در پتروشیمی صدف!

#### 📍 درود به کارگران سرزمینمان 📍

در پتروشیمی صدف عسلویه که یکی از بدنام ترین شرکت های پتروشیمی های عسلویه در ناسپاسی به حقوق کارگران می باشد؛ از همان بدو ورود که نزدیک درب یا گیت حراست می شویم بایستی بیرون درب پتروشیمی در انتظار نفر اداری شرکت پیمانکاری بمانیم تا بیاید و مدارکمان را که شامل کارت های شناسایی و پایان خدمت و گواهی عدم پیشینه کیفری می باشد از ما بگیرد. بطور معمول کارگران دو تا پنج روز پشت درب پتروشیمی منتظر مانده تا به گفته خودشان مدارک را مورد بازبینی قرار دهند و اصلن برای کارفرمای پتروشیمی مهم نیست که کارگران در پشت درب پتروشیمی چگونه بایستی به سر ببرند. کارفرمای این پتروشیمی و رییس حراست و پیمانکاران هیچ درک درستی از منش راستین برخوردار با کارگران، حقوق آن ها و ارزش آن ها برای کار و کارگری ندارند. کارگرانی که از شهرستان های دور و با مسافت ها زیاد ره پیموده و با وجود بی خوابی به سر برده اند تا به عسلویه بیایند و برای کار استخدام گردند را بدون آنکه در همان هنگامه نخست ورودشان به آن های آموزش های ایمنی را بدهند؛ را دو تا پنج روز پشت درب حراست بدون آب، بدون سایه بان و بدون دستشویی همان جا رها می کنند و حتا نمی گذارند که کارگران برای دستشویی رفتن به درون پتروشیمی بروند. تشنگی و فشار دستشویی کارگران را دلزده و دچار خودخوری بسیار می نماید و عزت نفس آن ها را پایین می آورد و این اهرمی است که در زمان تعیین



حقوق، کارگر خسته و دلزده و عصبانی را مجبور می کند با اعصابی خراب به دستمزدهای پایین تر از کمپین تن بدهد. شرکت جهانپارس در این پتروشیمی در شیدای همتا ندارد. هم به قوانین کمپین کارگری پایبند نیست و بر اساس بیست و سه روز کار و هفت روز مرخصی به کارگران دستمزد می دهد. دستمزدهای کارگران در این شرکت بسیار پایین بوده و پیمانکاران با آنکه بر اساس ۲۰ روز کاری دستمزد می دهند؛ ولی این دستمزدها هم بسیار پایین هست. این پیمانکاران که بسیار نابکار و نوکیسه هستند؛ تنها هدفشان این هست که برچسب یا مجوز پیمانکاری را با هر بهایی اندک بخرند و در هنگام مناقصه دادن برای انجام کار، پایین ترین قیمت کار را روی میز می گذارند و برنده می شوند. آن ها برای اینکه بتوانند دست و پایی زده و پولی به جیب بزنند و از قافله دزدان عقب نمانند تا آنجایی که شیدای به آنان اجازه می دهد از همه حقوق و دستمزدهای کارگران می زنند و زرنگ بازی در می آورند. آن ها کمکی ها را به عنوان استاد کار جا می زنند و کمترین دستمزد که بسیار زننده، زشت و ناروا هست را به آن ها تحمیل می دارند تا این کمکی ها به کمپین و استاد کارهایشان خیانت کنند. این کمکی ها که کار بلد نبوده و نیستند در هنگام انجام کار خطاهای بسیار انجام می دهند و کارهایشان ریجکت (غیر قابل قبول) می گردد و کار پیمانکار جزء را خراب می نمایند. می گویند پتروشیمی صدف به مرحله راه اندازی رسیده است ولی تازه این آغاز کار است تا خرابکاری های پیمانکاران سودجو و نابکار را درست نماییم و شاید هم فرصتی برای درست کردن کارهای ریجکت شده نداشته باشیم. بدا به حال سرمایه های انسانی و منافع ملی کشورمان چون با این کارگران کار ناآشنا و پیمانکاران بزن در رو و بازرسان که با پول تایید کار می دهند بی تردید در آینده ای نزدیک خراباری ها آشکار شده و زیان های جانی و مالی فراوانی در پی خواهد داشت. ما از کارفرمای پتروشیمی صدف و حراست آن می خواهیم که به کارگران ارج بگذارند و به خاطر این کاغذ بازی هایشان شخصیت و منش کارگران هنرجو و هنرمند را به چالش نکشاند.

## ارتان خرمیدین، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۴۰۲/۱۲/۱۹

### خرد جمعی و خودآگاهی را در دادخواهی های حقوقی خودمان به کار گیریم!

ارج گذاشتن به سرمایه اجتماعی خرد و اندیشه می تواند بهترین راهگشای همه نابسامانی های زندگانیمان باشد. همه ما کارگران می دانیم که بهترین اهرم فشارمان که می توانیم بر کارفرمایان فرود بیاوریم و سنبه پرزور را بر آنان تحمیل نماییم؛ تنها و تنها ارج گذاشتن به منش و رسالت اجتماعی و کارگری خودمان می باشد که از خودمحوری بپرهیزیم و بی گذار

به آب نزنیم. بجای اینکه تنها جلوی پای خودمان را بینیم؛ بایستی دوردستها را هم ببینیم و با نگاه به اهداف بلندمدت خودمان، گام هایمان را استوارتر برداریم. کمپین های کارگری که هم اکنون بهترین اهرم فشار برای دستیابی به حقوق از دست رفته مان می باشد تنها و تنها از آن روی ما را خرسند و سرافراز نمودند که برخاسته از ارج گذاشتن به کار گروهی و خرد جمعی و اندیشه گری بوده و هست. کار گروهی و هم اندیشی در پناه ارج گذاشتن به خواسته های همدیگر می باشد و اینکه بدانیم که چه می خواهیم و فراتر از آنچه که هم اکنون هستیم بیندیشیم و آرمان های خویش پاسداری نماییم. بایستی از خودمان بپرسیم که آرمان های کارگرمیان چه هستند و چه کسانی و با چه هدفی منش کارگرمیان را در میان انباشت یا عقده های کهنتری خودشان زیر پا له نموده اند؟ راه دستیابی به حقوق قانونی مان چه می تواند باشد؟ بر ماست که در همه زمینه های زندگی خویش، راه درست را گزینش نماییم و از پراکنده گویی و تفرقه ها دوری نماییم و آنچه که ریشه هایمان را به همدیگر پیوند می دهد و ما را پرتوان می سازد و رشد می دهد را پیشه راه خودمان سازیم تا لبخندهای شادی بر لب های همه هم میهنان و خانواده هایمان بنشانیم. اتحاد همیشه پیروزی را به دنبال داشته است

با سپاس فراوان و ارتان خرمدین عضو سندیکای کارگران فلزکار  
مکانیک ایران ۱۴۰۳/۱/۲۵

## با اتحاد شمشیر اخراج را بی اثر کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اخراج ۱۲ کارگر مبارز و قدیمی شرکت فولاد پارس هفت تپه، اخراج ۲ کارگر سخت کوش کمباین سازی سهند تبریز از شرکت توسعه صنعت آذربایجان با بیش از ۲۰ سال سابقه کار (داوود حسین زاده و محمد برزگر)، اخراج دست جمعی هیات مدیره انجمن صنفی کارگران مخابرات گیلان، اخراج بیش از ۲۰ کارگر رزمنده فولاد خوزستان در فروردین سال جاری پیامی است که مافیا به کارگران مبارز داده است. تمامی این کارگران افتخارشان دفاع از حقوق کارگران از جمله اجرای طبقه بندی مشاغل، لغو قراردادهای موقت پیمانکاران بوده است. با زیر پا نهادن قوانین جاری توسط دولت با رهنمودهای مافیای اتاق بازرگانی به ویژه در نشست های شورای عالی دستمزد و اخراج مذاکره کننده اصلی نماینده کارگران در این شورا توسط شخص وزیر کار، چراغ سبز حمله به کارگران مبارز از سوی دولت به کارفرمایان داده شد. طبق قوانین کار هیچ نماینده کارگری را نمی توان به خاطر دفاع از حقوق کارگری، اخراج کرد. این رویکرد که از ۲ سال قبل

شدت بیشتری یافته با نادیده گرفتن قوانین موجود و خود را به جای قانون پنداشتن و دادن دستورات ضد کارگری صورت گرفته است. این رویکرد حق زندگی برای خانواده های کارگران قابل نیست. به مافیای لانه کرده در دولت، مافیای اتاق بازرگانی، مشاورانی چون موسسه نذر اشتغال اصفهان و موسی غنی نژادهای ضد کارگر اعلام می کنیم امسال سال آشفته کردن خواب های ضد انسانی شما توسط زحمتکشان است. پرچم ما در این مبارزه مرگ و زندگی، گسترش سندیکاهای کارگری، طبقه بندی مشاغل و حذف مافیای پیمانکاری است.

## چاره کار، قطع دست غارتگران است!

در دهه های اخیر رویه ای باب شده که بیش از پیش، خانه آتیه کارگران را ویران کرده، کوخی از آن بر جا گذارده است. با این طریق که هرکس را خواستند پاداش دهند، بابت جنایت ها و خیانت هایش به مردم سپاسش گویند، او را متصدی سازمان تأمین اجتماعی کردند تا به اندازه بی انصافی اش به اموال آتیه کارگران دست درازی کند. آنکه را در بازداشتگاه کهریزک به تجاوز و قتل زنان و مردان فرمان داده بود، پس از آن کشتارها و تعرضات، به مدیرعاملی سازمان تأمین اجتماعی گماردند و برای مدتی دست او را باز گذاشتند به دلخواه چپاول کند. برداشت بی رویه از صندوق تأمین اجتماعی و دیگر صندوق ها توسط مدیران فاسد و نالایق برای مقاصد شخصی، کار را به جایی کشانده که همدستان اظهار می دارند صندوق های بازنشستگی ورشکست شده اند؛ بی آنکه از تخلفات یاران خود یاد کنند. آنها که اموال صندوق ها را غارت کرده اند می خواهند بار تأمین آن را به دوش کارگران و کارکنان بیندازند. این دارو دسته غارتگر از یاوران خود خواستند “قانونی” بگذرانند و ترمیم کاستی های صندوق را از طریق کار مضاعف کارگران و کارکنان جبران کنند با افزایش سال های کار و به تعویق انداختن زمان بازنشستگی. پیداست که این توطئه، دزدی آشکار از زحمت رنجبران است! چاره گر هم نیست!

تا وقتی دست های تطاول و چپاولگر کوتاه نشده اند این صندوق ها با کمیود توان مالی روبرو خواهند بود. هر قدر هم زمان نایل به بازنشستگی طولانی گردد باز قادر نخواهد بود کاستی ها را پر کند حتی اگر این دوره را تا وقت مرگ کارگر افزایش دهند باز کمی های ناشی از سرقت ها و فسادهای دایمی مالی تأمین نخواهند شد و این چنین مصوباتی تنها گویای همدستی قانون گزاران با چپاولگران است و مشکل را چاره نخواهد کرد مگر اینکه

محمدمسعود

دست غارتگران قطع گردد!

## اهمیت طبقه بندی مشاغل برای زحمتکشان!



اجرای طبقه بندی مشاغل یکی از خواسته های عمده زحمتکشان ایران است. کارگران ذوب آهن، خودروسازی ها، فولاد، نفت (پیمانی، قراردادی، ارکان ثالث)، کارگران مخابرات ... از آن جمله اند. طبق قانون کار، کارفرما موظف است در کارگاه های بیش از ۵۰ کارگر طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا کند. طرح طبقه بندی مشاغل یکی از دستاوردهای مبارزات کارگران میهن ماست. این طرح با مشخص کردن انواع مشاغل، ایجاد مناسبات صحیح کارگاه با بازار کار در رابطه با مزد و مشخص کردن وظایف مشاغل مختلف در کارگاهها، کارخانه ها، معدن ها، و موسسه های خدماتی و ... دستمزد و مزایای کارکنان را تعیین می کند. با اجرای طبقه بندی مشاغل، حقوق و مزایای کارگران با توجه به شرح وظایف و طبقه بندی شغل آنها مشخص شده به افزایش حقوق انجامیده و از معیشت زحمتکشان صیانت می کند. طبقه بندی مشاغل هر ۵ سال باید تجدید شود تا افزایش دستمزدها قدرت خرید طبقه کارگر را حفظ نماید. در نبود اجرای طبقه بندی مشاغل ابهام هایی در مورد وظایف کاری بوجود می آید و کارفرما در شرایطی که وظایف کارگر مشخص نیست، از ارایه برخی امتیازها و اضافه پرداختی دستمزد و مزایا به کارگران شانه خالی می کند. از قبل از انقلاب قوانین و مقررات گوناگونی در ارتباط با لزوم اجرای طبقه بندی مشاغل تصویب شده اند. در حال حاضر ماده ۴۸ و ماده ۴۹ قانون کار حاوی آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی طرح طبقه بندی مشاغل هستند. طرح طبقه بندی مشاغل در مورد مزایای کارگرانی که درگیر کارهای سخت و زیان آور می باشند، نیز تاثیر گذار است. کارفرما بر اساس قانون کار می باید برای آنها ۴ درصد بیمه پرداخت کند و در مواردی که کارفرما به هر نحوی از انجام این وظیفه خودداری می کند کارگر مجبور می شود در زمان بازنشستگی این مبلغ را پرداخت کند تا بتواند از مزایای کامل بازنشستگی استفاده کند. یا مثل کارگران ایران خودرو باید بعد

از ۲۰ سال حداقل ۲ سال دیگر کار کند تا مدیریت این ۴ درصد را پرداخت کند تا بازنشسته شوند. در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران این بازه زمانی پرداخت، تا یک سال و نیم طول می کشد. از شگردهای دیگر کارفرما برای خنثا کردن تاثیر مثبت طرح طبقه بندی مشاغل این است که کارفرما به جای حق بیمه کارگران متخصص، حق بیمه را در کمترین حد ممکن یعنی کارگر ساده پرداخت می کند و این باعث می شود کارگر متخصص در روزگار پیری با حقوق ناچیز سر کند. اجرای طبقه بندی مشاغل را در همه کارخانه ها و کارگاه ها به یک مطالبه همیشگی تبدیل کنیم تا دست کارفرمایان زورگو را از سفره کارگران کوتاه کنیم.

رضا کارشناسان

## وزیر کاری که قانون کار نمی داند!

وزیر کار به همراه کارفرمایان منتخب اتاق بازرگانی با مشورت افراد ضد کارگری چون پروفیسور غنی نژاد استاد دانشگاه و دانش آموخته دانشگاههای سرمایه داری فرانسه، برای تفرقه اندازی در میان زحمتکشان نه تنها به دنبال نابودی قانون کار و برچیده شدن سازمان تامین اجتماعی می باشند بلکه حق زندگی برای خانواده های کارگر و همه مزدبگیران قابل نیستند. وزیر کار در آخرین مصاحبه خود اعلام کرد: «شش ماه است به دنبال منطقه ای کردن دستمزد بودیم ولی نمایندگان کارگران در شورای عالی کار قبول نکردند. حقوق فردی که روی اسکله کار می کند و آنکه در تهران زیر کولر کار می کند باید متفاوت باشد» آیا وزیر کار نمی داند در قانون کار ماده ای وجود دارد برای طبقه بندی مشاغل تا کسی که کاری طاقت فرسا یا به قول ایشان در روی اسکله کار می کند باید مزد بیشتری به دلیل شرایط کاری دریافت کند و آن کارگری که در فضای مناسب تری نسبت به کارگر اولی کار می کند بر حسب شغل خود و آسانی آن، مزد متفاوتی دریافت کند. البته دستمزد آن فردی هم که زیر کولر کار می کند باید جوابگوی معیشت یک خانواده ۳/۳ نفری را تامین کند.

وزیر نادان و ضد کارگر، اگر شما به این موضوع اعتقاد راسخ داشتی نمی بایست حقوق کارمندان سازمان تامین اجتماعی بسیار بالاتر با مزایای عالی تر نسبت به دیگر کارگران ایران را اجازه تفاوت می دادی.

وزیر دروغگو و قانون گریز، طبقه بندی مشاغل برای کارگری که در ریخته گری، پای کوره های مذاب، جوشکار زیر آب، کارگران پروژه ای در عسلویه چه مونتاژ کار و چه فیتزر و حتا کمکی که در دمای ۶۰ درجه کار می کند حقوقی متناسب با وضعیت شغلی آنان، در نظر

گرفته و احتیاجی به منطقه ای کردن دستمزد نیست. شما دلتان به حال کارگر نسوزد و قانون طبقه بندی مشاغل را در همه موسسات تولیدی و خدماتی و درمانی اجرایی کنید.

طبقه بندی مشاغل و اخراج پیمانکاران نیروی انسانی از خواسته های اصلی همه مزدبگیران در سراسر کشور است. برای اجرایی شدن این دو خواسته دست به دست هم دهیم.

تحریریه پیام سندیکا

## تامین اجتماعی چگونه ورشکست خواهد شد!

محمد شیخ حسینی مدیرعامل بانک توسعه و تعاون وابسته به وزارت کار تنها در ۹ ماه از سال ۱۴۰۱ مبلغ ۵۸۹ میلیون تومان هزینه سفارش شیشلیک از رستوران های گران قیمتی چون شاندریز، جردن، شمرون کباب، از حساب این بانک برای پذیرایی از مهمانان خاص خود پرداخت کرده است. اینکه این مهمانان خاص چه کسانی هستند و در این مهمانی ها چه تصمیماتی علیه زحمتکشان گرفته شده است را نمی دانیم. اما همین مبلغ ۵۸۹ میلیون تومان پرداخت شده از جیب زحمتکشان این پیام را دارد که چگونه پول های بازنشستگان و کارگران بازیچه هوس بازی های عده ای نا مدیر گشته است. سازمان تامین اجتماعی که از سوی موسی غنی نژاد مشاور اتاق بازرگانی به عنوان یک نهاد کمونیستی اطلاق می شود و خواستار فروش اموالش به مافیاست، باید این چنین مورد غارت و ولخرجی عده ای مدیر قرار گیرد. سازمان تامین اجتماعی که از سوی مدیرعاملش عنوان می شود که ورشکسته است و هزینه هایش نمی تواند از سوی منابعش تامین شود و در لایحه هفتم توسعه زحمتکشان را مجبور کرده اند تا ۶۵ سالگی کار کنند برای اینست که شیشلیک آقایان به راه باشد. از وام های آن چنانی مدیران و ریخت پاش ها در درون سازمان خیلی کم می دانیم اما همین یک رقم پرداختی بابت شیشلیک نشانگر این است که چگونه گرگ ها به جان تامین اجتماعی افتاده اند. بی دلیل نیست که وزیر کار می خواهد نقش کارگران را در این نهاد با دادن لایحه برای تصمیم گیری برای حداقل حقوق سالیانه را بی اثر و قانون کار را محو کند تا هر آنچه دلشان می خواهد با اندوخته های کارگران انجام بدهند.

زحمتکشان باید به هوش باشند و این مدیران را از صندلی های خود پایین بکشند .

## خصوصی سازی خواست سرمایه داران نئولیبرال است!

در روزهای پایانی اسفند ۱۴۰۲ قرارداد توسعه شش میدان نفتی به ارزش ۱۳ میلیون دلار با پیمانکاران داخلی امضا شد. به گفته صولت مرتضوی، وزیر کار: «یکی از هدف گذاری های وزارت کار و اگذاری بخش اعظمی از فعالیت ها به بخش خصوصی برای افزایش تولید و رشد مشارکت مردمی!!؟ است» و اگذاری سهم بیشتری از خدمات عمومی به بخش خصوصی، یکی از مهمترین سیاستگذاری ها در برنامه هفتم توسعه است. دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۲ یک هیات ویژه برای واگذاری اموال دولتی تحت عنوان «مولدسازی» تشکیل داد اما تا دی ۱۴۰۲ کمتر از ده درصد از اهداف این برنامه محقق شد. مهمترین بخش برنامه هفتم توسعه اجازه به بخش خصوصی برای استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در پروژه های نفت و گاز است. شرکت های پیمانکاری وابسته به سپاه پاسداران، آستان قدس رضوی و بنیاد برکت اصلی ترین نفع برندگان از این مجوز خواهند بود. همچنین ساخت مسکن دولتی هم به شرکت های «بزرگ» واگذار خواهد شد. هنوز نام شرکتهای طرف قرارداد با وزارت راه و شهرسازی در طرح مسکن سازی اعلام نشده اما از بنیاد برکت و بنیاد مستضعفان به عنوان دو شریک دولت در این برنامه نام برده می شود. الزام صندوق های بازنشستگی به فروش اموال و سهام، برون سپاری خدمات درمان و سلامت، افزایش سهم بخش غیردولتی در آموزش پایه و عالی و خصوصی سازی بیشتر در حوزه حمل و نقل عمومی از دیگر بخش های برنامه هفتم توسعه است که با هدف کوچک شدن دولت اجرا خواهند شد که همگی این موارد خلاف قانون اساسی است.

در چنین شرایطی، کنشگران سندیکایی احتمال می دهند که سناریوهای واگذاری های رانتهی به بخش خصوصی، بخشی از برنامه شانیه خالی کردن دولت از پاسخگویی به مطالبات کارگران در شرایط رو به وخامت اقتصادی و بی ثباتی باشد. در شرایط آینده احتمال می رود که سرکوب کارگران ساده تر شود و کارگران در آینده نخواهند توانست صرفا با بیان مطالبات در خیابان به حقوق خود دست یابند. برنامه هفتم توسعه برای باز گذاشتن دست غارتگران اموال مردم با اسم رمز «مشارکت مردمی» با ناپودی قوانین بالا دستی چون قانون اساسی و قانون کار همراه است.

سندیکاهای کارگری سرکوب شدند تا دستمزدها پایین نگه داشته شود و حالا صنایع به بخش خصوصی واگذار می شوند تا دستیابی به یک زندگی شرافتمندانه هر روز سخت تر شود.

رضا کارشناسان

## جنبش کارگری و انحرافات!

از زمان پیدایش جنبش کارگری در ایران، تلاش برای منحرف کردن آن و تبدیلیش به تشکلی فرمانبردار حکومت ها و سرمایه داران و یا اگر امکان پذیر نبود، سرکوب و بیکار کردن و یا کشتن عناصر کلیدی، همیشه در دستور کار دشمنانش بوده است. کنشگران قدیمی جنبش کارگری هنوز از یاد نبرده اند آنچه بر سر ۲ تن از بزرگان جنبش کارگری در زمان رضاشاه و پهلوی دوم آمد و سرانجامشان چه شد. دو هم‌رزم، یوسف افخاری و علی امید. یوسف افتخاری دانش آموخته مدرسه حزب کمونیست (کوتو) و بعدها کارگر شرکت نفت. علی امید کارگر شرکت نفت و عضو حزب کمونیست ایران. هر دو از رهبران ممتاز اتحادیه کارگران شرکت نفت و اعتصاب به یاد ماندنی ۱۳۰۸ بودند. بعد از این اعتصاب دستگیر و تا سال ۱۳۲۰ در زندان ماندند. هر دو تلاش کردند بعد از رهایی از زندان تجربیات خود را برای زحمتکشان به کار گیرند. یوسف افتخاری بعد از رهایی از زندان در سال ۱۳۲۰، مدعی رهبری جنبش کارگری شد و حتا برای رقابت با علی امیدا از ایجاد تشکل های شاه فرموده ایایی نداشت و بعد از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز زندگی بدی نداشت و کارهای قلمی اش را با توهین به گذشته خود و هم‌رزمانش می گذارند. اما بعد از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علی امید بارها دستگیر، بیکار و فقیر ماند و برای حفظ شرافت خود حتا در اواخر عمر به کیسه کشی حمام پرداخت اما شرف کارگری خود را نفروخت. علی امید الگویی برای کنشگران کارگری است و یوسف افتخاری سرمشق خانان و پُست پرستان شد. یادآوری این تاریخچه، به دلیل تیتیر داغ تشکیل کنفدراسیونی در خارج از کشور است که بسیاری را به اظهار نظر واداشت. از نظر بسیاری از کنشگران کارگری داخل کشور اینگونه تشکلات کاریکاتور گونه نه اولین و نه آخرین آنها خواهد بود. از سوی «عسل محمدی» یکی از دانشجویانی که دوستدار زحمتکشان است این خبر رسانه ای شد و انتقاد او را برانگیخت. در همین امتداد دیگرانی نیز به فراخور حال، انتقادهایی بر این تشکل مشکوک وارد ساختند. کاش عسل محمدی افشنگاری های دیگری نیز از دخالت نیروهای غیر کارگری در جنبش سندیکایی بنویسد. جنبش کارگری به عنوان یک گردان مبارزه جویانه بیش از یکصد سال در جنبش آزادیخواهانه نقش داشته و همیشه هم مورد طمع بیگانگان، عناصر خائن داخلی، حکومت ها و شهرت طلبان می باشد. از ۱۳۲۰ تاکنون ایجاد تشکل های موازی برای منحرف کردن جنبش کارگری ساده ترین راه برای این موضوع بوده است. از یاد نبرده ایم برای سرکوب جنبش کارگری به ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ توسط وزارت کار پهلوی دوم راه اندازی سندیکاهای گوش به فرمان و حتا بردن هیات مدیره های این سندیکاها به عنوان نماینده کارگران به مجلس در دستور کار قرار گرفت. اما جنبش کارگری و سندیکالیست ها اصالت خود را حفظ کرده به مبارزه برای بهبود شرایط طبقه کارگر رژیمیند و به زندان افتاده و حتا کشته شدند. سندیکاهای خیاط، کفاش، بافنده سوزنی، فلزکارمکانیک، بنایان، ساختمانی، شرکت واحد، خطوط لوله شرکت نفت، چاپ از جمله سندیکاهای مستقل از دولت بودند و شهادی را نیز تقدیم جنبش کارگری و آزادیخواهی کردند. اسکندر صادقی نژاد، جلیل انفرادی، ناصر گارسچی، هدایت اله معلم از سندیکای فلزکارمکانیک - محمد جاتجانبیان از بافنده سوزنی، محمد چوپان زاده سندیکای بنایان، بخشی از شهدای سندیکایی از سال ۱۳۴۹ تا ۶۷ هستند. با آغاز فعالیت جنبش نوین سندیکایی در اوایل دهه هشتاد و ایجاد هیات موسسان سندیکاهای کارگری جهت آموزش به سندیکالیست های جوان و کمک به بازگشایی سندیکاها و بازگشایی اولین سندیکا، سندیکای کارگران



شرکت واحد اتوبوسرانی در خرداد سال ۸۴ حمله همه طرفه به خواستاران سنديکاهای کارگری آغاز شد. از سوی آنانی که سنديکا را یک تشکل راست می دانستند و تشکل هایی راه انداختند و از منحرف کردن اعضا و هیات مدیره شرکت واحد و تلاش برای نفوذ و حتا تحت اختیار گرفتن این تشکل از هیچ راهی فرو گذار نشدند و با تودهنی هیات مدیره و اعضای سنديکا در بین سالهای ۸۴ تا ۸۶ مواجه شدند. در همین راستا ورشکستگان سیاسی که تشکل مطبوعشان به جای درک شرایط کار و پیکار زحمتکشان تلاش داشتند اندیشه های منسوخ خود را به هیات موسسان سنديکاهای کارگری وارد کرده این سنديکاها را به بخشی از سازمان سیاسی خود تبدیل کنند، فعال شدند. اما ماجرا از جایی جالب شد که پای خارج نشینان به جنبش سنديکایی باز شد. به باور متکی به تجربه های سنديکای کارگران فلزکار مکانیک ایران هرچه جنبش سنديکایی قدرتمندتر و آوازه اش به هر کوی و میدان و روستایی می رفت تلاش برای انحراف جنبش سنديکایی و کارگری متنوع تر شد. پاره پاره کردن جنبش کارگری و سنديکایی با اعتصاب سال ۱۳۸۶ رانندگان و کارگران سنديکایی شرکت واحد شدت گرفت. به گفته فعالین سنديکای برادر در روز اول اعتصاب بیش از ۲ هزار راننده و کارگر تا ساعت ۶ صبح دستگیر و روانه زندان اوین شدند. بسیاری که تا آن زمان مخالف روش سنديکایی بودند از این برهه تاریخی استفاده کرده تلاش کردند با عنوان کمک به خانواده های زندانیان، خانواده های اعضای زندانی را از سنديکا جدا کنند که با مخالفت سخت این خانواده ها روبرو گردیدند. اما بودند بعضی از اعضای آزاد شده سنديکا که به دام این افراد افتاده و با تکیه به منابع مالی، روابطی خارج از سنديکا با این افراد بهم زدند. این خط تفرقه در خارج از کشور با بزرگ کردن بعضی از رهبران سنديکایی کارگران شرکت واحد و تماس با خانواده های آنان، چنین کردند که حتا همسر منصور اسالو در اولین جلسه روز بعد دستگیری کارگران شرکت واحد برای سنديکا تعیین خط مشی می کرد که با مخالفت پیشکسوتان هیات موسسان سنديکاهای کارگری روبرو شد. تلاش همه مردم ایران برای حمایت از خانواده های کارگران اعتصابی یک طرف، تلاش سرکوب کنندگان سنديکا برای تفرقه اندازی در صفوف سنديکا و جدا کردن اعضا از سنديکا، طرف دیگر این رویداد بود. از خانه کارگری ها و ماموران امنیتی گرفته تا دوستداران دروغین سنديکا. از سویی دیگر دخالت های بی جای دبیر هیات موسسان در امور داخلی سنديکای شرکت واحد و ایجاد دعوا در جلسات هیات موسسان که شامل اعضای سنديکای فلزکار مکانیک، نقاش و تزیینات تهران، شرکت واحد، پیشکسوتان سنديکایی کانون بازنشستگان تهران بود به بحران در میان اعضای سنديکای واحد دامن می زد. دبیر خانه نشین هیات موسسان که به خودخواهی و حسادت به منصور اسالو شهره بود، این جلسات را به جای هم اندیشی و انتقال تجربیات بزرگان سنديکایی به سنديکای بحران زده شرکت واحد، به تشنج می کشاند. تبدیل منصور اسالو به فردی خودکامه و محروم ساختن سنديکای شرکت واحد از تجربیات پیشکسوتان هیات موسس سنديکاهای کارگری، از این نقطه کلید خورد. از طرفی با تلاش های تفرقه افکنانه خارج نشینان و دیگران و باد کردن هرچه بیشتر منصور اسالو که مستعد این موضوع بود و جا زدن او به عنوان رهبر جنبش کارگری، انحراف در جنبش سنديکایی را ژرف تر کرد. خط تفرقه و باندبازان با ایجاد سنديکای کارگران هفت تپه رنگی دیگر به خود گرفت. این خط برای منصرف کردن کارگران از ایجاد سنديکای کارگران هفت تپه و سفرهای با دلیل و بی دلیل که در سالهای ابتدایی تشکیل سنديکای هفت تپه روی داد، با شکست روبرو شد. اینان درک نمی کردند و هنوز هم درک نمی کنند که جنبش سنديکایی در رگ و خون طبقه کارگر ریشه دوانده است و هیچ تشکلی تاکنون این چنین محبوب و کارا نتوانسته در میان جنبش کارگری شناخته و مورد قبول واقع شود. البته دوستان سنديکای کارگران هفت تپه می توانند داستانهایی از این

دوستداران دروغین سندیکای هفت تپه بگویند. اما تلاش‌ها برای انحراف دامنه دار شد. در اوایل دهه نود مطلع شدیم در ترکیه یک سمینار آموزشی کارگری توسط شخصی به نام «اریک لی» برگزار شده است و افرادی در آن شرکت کرده اند که امروز در خارج از کشور به سر می‌برند. این سمینار توسط دوستداران جنبش سندیکایی مورد شماتت قرار گرفت و شرمندگی شرکت در این سمینار آمریکایی تا ابد برای شرکت‌کنندگان و مرتبطین این خط، باقی ماند. از اواخر دهه هشتاد جنبش کارگری با پدیده‌ای به نام «فعال‌کاری» روبرو شد که تاکنون تعریف درستی از این پدیده توسط نامگذاران آن مشخص و شفاف بیان نشده که فعال‌کاری چیست؟ فعال‌کاری چیست؟ آیا اگر کسی دوستدار طبقه کارگر است و یا اندیشه‌های کارگر دوستانه دارد، فعال‌کاری است؟ این بهم ریختن مرزهای کارگران فعالی که در کارخانه‌ها و یا عرصه‌های کارگری کار و پیکار می‌کنند با دیگرانی که خارج از این محدوده بسر می‌برند برای چیست؟ این نام‌گذاری و مخدوش شدن حیطه فعالیت باعث شد بسیاری با چهره دروغین، خود را فعال‌کاری دانسته و به باندبازی و تفرقه‌اندازی در صفوف طبقه کارگر بپردازند. برای مثال آمدن فردی مشکوک به نام علیرضا عسگری که معلوم نشد دانشجوی است؟ فردی سیاسی است؟ اصلن چه کاره است و چگونه پیدایش شده و هر روز عضو تشکیلی می‌شد و با بیرون آمدنش از تشکیل مربوطه، تفرقه و دعوای جنجالی از خود به جا می‌گذاشت، به نظر نگارنده بخش دیگری از نفوذ و تفرقه‌اندازی در جنبش کارگری بود. اگر تا دیروز سرکوب کنشگران سندیکایی در صدر برنامه بود، امروز با ساختن هواداران قلابی و دلسوزان زحمتکشان نفوذ به داخل صفوف کارگری و سندیکایی همچنان در دستور کار طمع‌کنندگان داخلی و خارجی قرار دارد. بازی که با فعالین دانشجویی دهه هفتاد شده بود در جنبش کارگری هم به کار گرفته شد و هر دو خط چه داخل کشور و چه خارج از کشور با پاسکاری دقیق و بزرگ کردن یک فردی که پیراهن خونی را به دست گرفته بود او و همسرش را کم‌کم به عنوان نماد جنبش دانشجویی جازد و بعد هم به ناگهان سر از خارج در آورد. امروز از آن دانشجوی جوان چه مانده است؟ همین ترفند هم در منصور اسالو و هم در میان بعضی از فعالان سندیکای شرکت واحد و کارگران فولاد موثر واقع شد. کجاست کارگر رزمنده و خوش فکر فولاد خوزستان مهدی آل میثم، سازماندهنده اعتراضات کارگران فولاد که خیابان‌های اهواز را تسخیر کرده بودند؟ مردم اهواز و هم برادران عرب ما به این فرزند خوش فکر خود می‌بالیدند؟ امروز در خارج چه می‌کند؟ و چرا از ایران خارج شد؟ چه کسانی او را تشویق به مهاجرت کردند تا هم او از شخصیت کارگریش جدا بماند و هم جنبش کارگران فولاد از کارگری چون او محروم بماند؟ چند کارگر دیگر که هم چون او از فولاد به مهاجرت رفتند و دیگر خبری از آنها نیست تبدیل به چه شخصیت‌هایی شدند؟ چه تفکری اینگونه کارگران را به مهاجرت تشویق می‌کند؟ در دهه هشتاد بسیاری از اعضای فعال سیاسی، مدنی، زنان به خارج رفته در رادیوها و تلویزیون‌های سیاسی به عنوان فعالان کارگری ایران به تبلیغ یک تفکر خاص سیاسی مشغول شدند. این خط مهاجرت همچنان چه در میان دانشجویان، اهالی سیاست، کنشگران مدنی و زنان و کارگران، فعال است تا ایران را تهی از این افراد پرتلاش کند. این مهاجرت‌ها به نفع چه جریاتی است؟ و چه کسانی پشت این مهاجرت‌ها ایستاده‌اند؟ همین خط با هماهنگی که در درون حاکمیت دارد کاری می‌کند تا دختر شجاع زحمتکشان، سپیده قلیان نامه‌اش در جلسه امنیتی آلمان توسط بدنام‌ترین فرد خوانده شود. چه کسانی این هماهنگی از درون زندان تا جلسه امنیتی آلمان را برنامه‌ریزی کرده و می‌کنند؟ از این دست کارها که با گول زدن حتما خوشنام‌ترین زندانیان کارگری و آموزگاری اتفاق افتاد و دست‌های پیدا و پنهان باعث شدند تا رفیق زحمتکشان شاه‌رخ زمانی از داخل زندان با مسوول حقوق بشر جهانی تلفنی به راحتی!!! صحبت کند. زحمتکشان و کنشگران

باید بسیار هوشیار باشند تا بازچه عروسک های پشت پرده نشوند. در سالهای اخیر می بینیم که خط تفرقه افکنان بسیار متنوع تر شده، از دانشجویان عدالتخواه، تا خبرنگار اخراجی ایلنا، و حتا عضوی از شورای عالی کار که عملکرد ضد کارگری او در شرکت واحد آشکار است، به ناگهان کارگر دوست شده اند!!! دانشجویان عدالتخواهی که توسط برادرانمان در هفت تپه افشا شدند و کارگران روشن بین فولاد آنان را از کارخانه بیرون کردند، هم اینان در روز ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ در مقابل وزارت کار گردهم می آیند و دلسوز کارگران و معیشت شان می شوند. نمی دانیم این افراد چرا دلسوز خواهران و برادران دانشجویی زندانی خود نیستند و دلشان فقط هوای کارگران را کرده؟ از فرزندان زندانی مان دفاع نمی کنید به درک، از اخراج استادان نگران نمی شوید به جهنم، برای کیفیت آموزش دانشگاه و خودتان چرا تکانی به خود نمی دهید؟ فقط ماموریت برای هفت تپه و فولاد و معیشت کارگران دارید؟ چطور است که علی خدایی از جلسات شورای عالی دستمزد کنار گذاشته می شود ولی رییس شورای اسلامی کار شرکت واحد که ۲ ریال از معیشت کارگران شرکت واحد دفاع نکرده، به یک نمایش تلویزیونی دعوت و در بحث با نماینده کارفرماها لال مانی می گیرد و به جای او مجری از معیشت کارگران دفاع می کند؟ اینان با چه فرایندی وارد مهمترین موضوع مرگ و زندگی ۷۰ میلیون ایرانی می شوند؟ و چه خطی دوست دارد با اینان وارد مذاکره مزدی شود؟ یا خبرنگار اخراجی ایلنا در تلویزیون ایران مانور می دهد و ساعت ها در مورد معیشت کارگری حرف هایی می زند که راهبردی نیست و بیشتر برای تبلیغ خودش است، وارد ماجرای دستمزد می شوند؟ و یا فردی که روز ۲۸ اسفند تبلیغ حمایت از کارزار ۱۵ میلیونی را کرده و در آخرین روز جلسه با نمایندگان کارگری شورای عالی دستمزد در مقابل وزارت کار عکس یادگاری می اندازد ولی وقتی مزد ۱۵ میلیونی مصوب نمی شود تندترین انتقادهای به این افرادی که با آنان عکس یادگاری انداخته است می زند، این دوگانگی در رفتار برای چیست؟ اگر اینان در ایران برای منحرف کردن جنبش کارگری می کوشند در این شیر تو شیری، می بایست افرادی هم در خارج به فکر ایجاد کنفدراسیون با یک تشکل آلمانی بیفتند و کنفدراسیون که مثلن برای حمایت از کارگران ایرانی راه اندازی کرده اند را تابع قوانین تشکل آلمانی بکنند. این منحرفین حتا برای آنکه از قوانین تشکل سازی کمی اطلاع کسب کنند، نرفته اند یکی دو جزوه بخوانند و از آن رسواتر آنکه آن تشکل آلمانی هم به این روند غیر دموکراتیک و احمقانه پیوسته و از این ابلهان نپرسیده که فدراسیون ها و سندیکاهای زیر مجموعه این کنفدراسیون دست ساز کیستند؟ بی تردید هم رسوایان به اصطلاح فعالان کارگری ایرانی آن سوی آب و هم ابلهان تشکل آلمانی، برای به جیب زدن پول های فاسدی که برای راه اندازی این جریان قرار بود پرداخت شود، نقشه های دور و درازی کشیده بودند. اما گاه اشتباهات خودمان هم کار دستان می دهد. می خواهم به یک تجربه اشاره کنم چون این مورد را با دوستانی از سندیکای برادر، سندیکای کارگران شرکت واحد در میان گذاشته ام بازگو می کنم. بعد از دستگیری برادرانمان شهابی، سعیدی، رضوی، بدایقی به همراه سندیکالیست های فرانسوی من این اشتباه در دیدار را، اشتباه سندیکالیست های فرانسوی دانستم و می دانم. این دوستان فرانسوی بارها به کشورهای مختلف برای دیدار و آموزش های سندیکایی به کشورهای مختلف با حکومت های متفاوت رفته اند و روند چگونگی دیدارها را می دانند. آنان می دانستند که به کشوری می آیند که حاکمیتش در رابطه با سندیکالیست های ایرانی بسیار حساسند و محدودیت شدیدی در رابطه با فعالیت سندیکایی وجود دارد و می دانستند با چه افرادی باید جلسه داشته باشند. آیا این دوستان فرانسوی نباید علت دیدار از ایران را در نوشته درخواست ویزا، دیدار با سندیکالیست های ایرانی ذکر می کردند نه گردشگری و توریسم؟ دوستان جوان ما تجربه اینگونه دیدارها نداشتند، اما سندیکای معلمان "نیروی کارگری"

فرانسه چه؟ من به دوستان مان گفتم: «اگر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک قرار بود چنین دیداری داشته باشد حتمن به وزارت امور خارجه ایران اطلاع می دادیم. اگر ویزای ورود می دادند دیگر نمی توانستند چنین سناریویی را اجرا کنند و اگر هم ویزا نمی دادند این دوستان فرانسوی به خیر و ما را به سلامت و امروز برادران مان در کنار خانواده های خود روزگاری می گذراندند و سیسیل و ژاک هم در کشور خود همچنان فعالیت های سندیکایی را پی می گرفتند»

نبود آموزش سندیکایی، تشدید تفرقه، حسادت، شهرت طلبی، سر تیر اخبار خارجی بودن، لبه های قیچی است که جنبش کارگری و سندیکایی را همیشه تهدید می کند که همه اینها بر می گردد به دریغ کردن آزادی های انسانی تصریح شده در منشور حقوق بشر، منشور حقوق سندیکایی، قانون اساسی کشورمان. فضا به گونه ای است اگر کنشگران اصولی از قانون اساسی را که به نفع زحمتکشان است تبلیغ کنند و یا موادی که دستاوردهای زحمتکشان در قانون کار را به رخ مدعیان سرمایه داری ننویسند به هزار تهمت نواخته می شوند کما اینکه امروز زندانیان دربند، خلاف اصول قانون اساسی زندانی هستند.

آنچه بازگو شد شمه ای از تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی حال حاضر است تا دوستان جوانی که می خواهند فعالیت سندیکایی یا مدنی کنند بدانند چه چاه هایی را در سر راه شان کنده اند و باید هوشیارانه با خرد جمعی و استفاده از تجربیات قدیمی های این راه، مبارزه ای سرفرازانه را پی گیرند. اگر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران پاره پاره نشد و هزینه های گزافی را متحمل نگردد یک مورد به دلیل داشتن آموزگاران و مشاورانی چون جواد مهران گهر عضو هیات مدیره کارگران کفاش، فعالیت از سال (۱۳۶۲-۱۳۴۵)، خلیل پرن از کنشگران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، فعالیت از سال (۱۳۶۲-۱۳۴۵)، نبی معروفی عضو هیات مدیره سندیکای بنایان تهران، فعالیت از سال (۱۳۶۲-۱۳۳۱) و زنده یادان محمد فراهانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط، فعالیت از سال (۱۳۶۲-۱۳۴۵)، علیرضا فرهادی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، فعالیت از سال (۱۳۶۲-۱۳۳۴)، محمد حسین خوان یغما عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، فعالیت از سال (۱۳۴۶-۱۳۳۰)، ابادر برنگی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش فعالیت، از سال (۱۳۳۳-۱۳۲۷)، علی جعفری مرنندی عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران معدن شمشک، فعالیت از سال (۱۳۲۵-۱۳۲۰) و درس گرفتن از تجربیات سندیکای پُر افتخار کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

## مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

فروردین ۱۴۰۳

## حذف شرکت های پیمانکاری در همه عرصه های کار!

با اجرای دستورات صندوق بین المللی پول در جهت حذف قوانین حمایتی از زحمتکشان، در اسفند ۱۳۸۴ به کلیه وزارتخانه ها و دستگاههای اجرایی ابلاغ شد بخشی از کارها از جمله پخت و توزیع غذا، حمل و نقل، خدمات فضای سبز، تعمیر نگهداری ساختمان تاسیسات و سایر خدمات عمومی قابل واگذاری به شرکتهای پیمانکاری واگذار شود، تا کوچک سازی دولت صورت گیرد. با این ترفند کارگری که تا دیروز از کارخانه ها و ادارت و بیمارستان ها حقوق می گرفت و خود را متعلق به این نهاد می دانست به ناگهان با کساتی روبرو شد که نه تنها از پیمانکاری و اصول آن بی خبر بودند بلکه دزدان و واسطه هایی بودند که برای غارت دستمزدهای زحمتکشان طراحی شده بودند. پیمانکارانی که نه از کار سر رشته ای دارند و نه از اصول پیمانکاری. یکی از اصلی ترین شرایط پیمانکاری این است که شرکت حداقل یکسال حقوق و بیمه کارگران را در صندوق مالی خود داشته باشد و حتمن به لحاظ قابلیت مدیریت مجموعه زیردست مورد تایید کارخانه، وزارتخانه و مسوولین ذیربط چه به لحاظ کاری و چه به لحاظ مالی باشند. امری که با دخالت مافیای آقازادگی به حاشیه رانده شد. در ماده ۱۷ قانون خدمات کشوری حوزه فعالیت پیمانکاران را در بخش های خدماتی چون آشپزخانه ها و سرویس های حمل و نقل کارکنان و نه کارهای تخصصی چون پرستاری و کارهای پروژه ای نفت را قابلیت واگذاری دانسته است.

امروز یکی از بیشترین شکایت ها به وزارت کار، نفت و بهداشت رعایت نکردن قانون توسط پیمانکاران و عادی شدن دزدی از دستمزدهای کارکنان و کارگران شده است به ویژه در ارابه لیست بیمه که همه کارگران متخصص خود را نیز کارگر ساده عنوان می کنند و این باعث شده است هم از درآمدی که باید به تامین اجتماعی برسد بدزدند و هم سر پیری زحمتکشان با حقوق ناچیز سر کنند.

این شرکت های پیمانکاری تحمیلی به مزدبگیران متاسفانه از سوی مافیای لانه کرده در سیستم دولت حمایت بی دریغ می شوند.

آینده جنبش مبارزاتی مردم برای جامعه ای آزاد و دموکراتیک تامین خواست های اساسی مردم کشور ما در گرو حضور سازمان یافته جنبش کارگری است. جنبش کارگری و مزدبگیران خواهان برچیده شدن این شرکت ها از همه عرصه های خدماتی، صنعتی، پزشکی و دیگر امور می باشند.

تحریریه پیام سندیکا

## چرا دزدی پیمانکاران نادیده گرفته می شود؟!

با اجرای غلط ماده ۱۷ قانون خدمات کشوری در خصوص جدا کردن بخشی از کارکنان ادارات و واحدهای تولیدی و سپردن آنان به پیمانکاران نیروی انسانی، ورود شیدان و کلاهبرداران به عرصه کار و کارگری توسط دولت آغاز شد. این پیمانکاران دغلباز که در دور زدن قانون و بند و بست با بازرسان اداره کار و بیمه تامین اجتماعی مهارت دارند هم به دستگاه قضا و هم به هیات های حل اختلاف پرونده های تخلفاتی خود را تحمیل کردند تا نابهنجاری های اجتماعی افزایش یابد. مرگ خودخواسته ۵ کارگر پتروشیمی ایلام به دلیل نگرفتن حقوق به موقع و یا اخراج آنان و سوگواری نمودن خانواده هایشان بخشی از این نابهنجاری های تحمیلی شرکت های پیمانکاری است. تکنسین ها کارگران فنی پست های فشار قوی برق (کلاه زرد ها) با پایین بودن دستمزد به دلیل عدم اجرای طبقه بندی مشاغل با پیمانکاران خود درگیر هستند. کارگران پروژه ای عقب افتادن حقوق ها، دست بردن در قراردادهای و عهدشکنی پیمانکار در تعیین حقوق زمان پرداخت و یا غیب شدن پیمانکار خود را بارها تجربه کرده اند. طبق قانون ماده ۱۳ قانون کار، کارفرمای اصلی می بایست بر اجرای صحیح مقررات قانون کار از جانب شرکت های پیمانکاری نظارت کند و قبل از اطمینان از تسویه حساب کامل پیمانکار با کارگران خود از پرداخت تضمین های شرکت خدماتی خودداری کند. تبصره های ماده ۱۳ قانون کار به مسئولیت های وزارت کار در مورد تدوین دستورالعمل و آیین نامه های تاکید نموده است. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، صلاحیت موسسات و افرادی که طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاهها را تهیه می کنند و حل اختلاف های ناشی از اجرای این طرح را، می پردازند باید مورد تایید وزارت کار باشد که ماموران وزارت کار با بندوبست با پیمانکاران و کارخانه داران با حمایت دولت از آن خودداری می کنند. عدم اجرای قانون با حمایت دولت که بخشی از آن را در تعیین حداقل حقوق امسال با گردنکشی وزیر کار دیدیم بخشی از روندی است که به بی قانونی و گردن کلفتی دامن می زند و سرمشقی است برای همه کارفرمایان به ویژه پیمانکاران که قانون را رعایت نکنند. دستیابی زحمتکشان ایرانی به زندگی شایسته و بایسته و پر امید در گرو مبارزه شان برای خواست ها و حقوق صنفی شان از جمله اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و احیای تشکیل سندیکا، تامین امنیت شغلی، دریافت دستمزد عادلانه و پوشش کامل بیمه های تامین اجتماعی است. فراموش نکنیم پیکار برای تامین حقوق صنفی - رفاهی به ویژه مطالبه های فوری مانند افزایش دستمزد، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، احیای حقوق سندیکایی، توقف برنامه خصوصی سازی از مبارزه پر فراز و نشیب و البته حیاتی علیه سمت گیری اقتصادی اجتماعی حاکمیت جدایی ناپذیر است. تفرقه در صف طبقه کارگر برای حذف از معادلات صحنه سیاسی و اجتماعی بخش از کار مافیای دولتی و کارفرمایان و مافیای پیمانکاری است. به هوش باشیم *رضا کارشناسان*

(مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران ایران با خبرگزاری ایلنا)

**یارانه‌ای پرطمطراق اما بی کاربرد؛ چرا کارگران از خرید با کالابرگ پشیمان می‌شوند؟**

به گزارش خبرنگار ایلنا، دولت مدعی است با طرح فجرانه کالابرگ، قرار است بخشی از کمبودهای سفره‌های خانوارهای فرودست با تامین «مواد مغذی و پروتئینی» جبران شود اما در واقعیت اینگونه نیست؛ ۲۲۰ هزار تومان کالابرگ فجرانه که با تبلیغات فراوان شب عید به دهک‌های کم درآمد پرداخت شده، آن چنان ناچیز است و از سوی دیگر، آنقدر شرط و شروط و اما و اگر دارد که در عمل هیچ تاثیری در معیشت خانواده‌های فرودست نخواهد داشت. یک کارگر صنعتی در مورد کالابرگ ۲۲۰ هزار تومانی که برای او و همسر و فرزندش ۶۶۰ هزار تومان است، می‌گوید: به نظر می‌رسد بیشتر قصد دارند اقلام کم طرفدار را در فروشگاه‌های بزرگ به فروش برسانند تا اینکه به فکر سبد خوراکی مردم باشند؛ ما برای خرید کالابرگ مراجعه کردیم، گفتند برای سه نفر باید بیش از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان از اقلامی که مشخص شده خریداری کنید، آن وقت ۶۶۰ هزار تومان آن را دولت می‌پردازد. وقتی اعلام کردیم برخی از این کالاها مثلاً گوشت منجمد را نمی‌خواهیم، عنوان کردند به جایش گوشت تازه یا ماهیچه بردارید ولی مابه التفاوت‌اش به صورت سیستمی حساب می‌شود و باید خودتان بپردازید! مازیار گیلانی نژاد، فعال کارگری، با انتقاد از این مدل یارانه‌پردازی می‌گوید: اطمینان دارم که بسیاری از کارگران و فرودستان از چنین کالابرگی استفاده نخواهند کرد؛ آنها ندارند که ۲ یا ۳ میلیون تومان از یک فروشگاه مشخص خرید کنند تا بخش ناچیزی از این خرید سنگین را کالابرگ برعهده بگیرد! بنابراین به احتمال زیاد انصراف می‌دهند؛ جالب اینجاست که مسلماً فردا وزیر کار می‌آید در رسانه‌ها ادعا می‌کند تعداد کمی از کالابرگ فجرانه استفاده کردند چرا که آنقدر وضع مردم خوب است که نیازی به کالابرگ ندارند! گیلانی نژاد تاکید می‌کند که «طرح کالابرگ، طرحی کاملاً غیرموثر است که هیچ نفعی برای دهک‌های فرودست ندارد فقط به نفع افزایش فروش در فروشگاه‌های خاص غیر خصوصی است؛ فردی که هفت میلیون تومان شب عید حقوق گرفته، از کجا بی‌آورد ۲ یا ۳ میلیون تومان از یک فروشگاه خاص، اقلام اجباری این طرح را خریداری کند؟» طرح کالابرگ فجرانه، علیرغم تبلیغات بسیار و مصاحبه‌های مکرر معاون مربوطه در وزارت کار، تاثیری در رونق بخشیدن به سفره‌های خالی فرودستان و کم درآمدها نداشته است. واقعاً چطور قرار است ۲۲۰ هزار تومان تخفیف خرید دولت که نام پرطمطراق یارانه غیرنقدی و کالابرگ بر آن نهاده اند، خالی بودن سفره‌های نوزدی مردم را بپوشاند و از شرمندگی سرپرست خانواری که دستش به راستی خالیست، بکاهد؟! گزارش: نسرين هزاره مقدم ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

## وظیفه کارمندان کانون بازنشستگان تهران چیست؟

بطور عادی وظیفه کارمندان کانون ها دادن خدمات به بازنشستگان و انجام کارهای اداری است. اما در کانون بازنشستگان تهران کارمندان نه تنها دست به کارهای غیر متعارف کارمندی می زنند بلکه خبر چینی، درگیری، توهین و حمایت بادیگاردی از هیات مدیره را نیز به عهده دارند. از جمله کارهای خلاف این کارمندان برای هیات مدیره بی عرضه کانون تهران، می توان به این موارد اشاره کرد:

۱- خبرچینی از بازنشستگان فعال، درگیری با آنان و حتا زنگ زدن به کلانتری برای ترساندن و دستگیری فعالین بازنشستگی

۲- نوشتن رای به نفع هیات مدیره و بازرسین در انتخابات

۳- تبلیغ زبانی و پخش تراکت در کانون و توجیه و تاکید برای دادن رای به بازرسین ماست و هیات مدیره سیب زمینی

۴- تلفن زدن به اعضای کانون با استفاده از تلفن های کانون به دستور هیات مدیره برای رای دادن به قالیباف برای انتخابات مجلس

۵- فریاد زدن در مجمع عمومی که: «به بند حذف اساسنامه رای ندهید» به دستور هیات مدیره

ما نمی دانیم کارمندان کانون برای این کارهای زشت و شیطانی و همکاری با شیاطین هیات مدیره که روح خود را به پول فروخته اند، چقدر حقوق می گیرند که وجدان خود را این چنین بی مهابا می فروشند؟



## شرط بندی روی اسب بازنده!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، دیدار روز (۷ فروردین ۱۴۰۳) هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران با آقای قالیباف به چه مناسبت و به دنبال چه موضوعی هستند؟ و به جای اینکه تمامی تمرکز خود را روی افزایش مستمری ها و بهبود درمان و افزایش عیدی بازنشستگان قرار دهد به این اکتفا می کند که: «از ما کاری بر نمی آید و دولت به قانون تبعیت ندارد»

اینکه این هیات مدیره میرزا بنویس که نمایندگی را در حد نامه پراکنی و نق زدن می بیند چند عکس یادگاری با امثال قالیباف می گیرند و بی عرضگی خود را با این سخنان کتمان نمی کند، سوالی باقی نمی گذارد.

اما شرط بندی روی اسب بازنده را خوب می داند. با بسیج کارمندان کانون بازنشستگان تهران در روزهای منتهی به انتخابات، کارمندان به دستور هیات مدیره طی تماس های تلفنی به اعضای کانون تاکید موجد می کردند که به «باقر قالیباف» رای دهید.

بی دلیل نبود که در ماههای اخیر تعداد دیدارهای این هیات مدیره چولمن با قالیباف رییس مجلس زیاد شده است. این هیات مدیره حتا لازم ندانست که به اعضا بگوید محتوای این دیدارها چه بوده است. امروز معلوم می گردد که هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران به جای تلاش برای بهبود وضعیت بازنشستگان به زد و بند با آقای قالیباف مشغول است. تازه هیات مدیره از اعضای چاپلوس کانون که همیشه برای تکه لقمه نانی دور و بر آنان پلاس هستند گلایه داشتند که: «این همه مشهد بردیم، برنج و روغن دادیم ولی کسی نه در انتخابات بازرسین آمد و رای داد و نه نتوانستیم رای قالیباف را بالا ببریم»

به این بی خردان باید گفت رای ندادن به اسب بازنده ای چون قالیباف از شعور اجتماعی بازنشستگان تهرانی برخاسته که هیات مدیره کانون فاقد آن است. در ضمن اگر قالیباف قرار بود برای بازنشستگان کاری کند در این ۴ سال انجام می داد.

## اوج فقدان مدیریتی!

خبری از رسانه های جمعی منتشر شد که در آن فرمانده نیروی انتظامی کشور، سردار رادان اعلام کرد: «۱۳۰۰ تن کالای قاچاق به ارزش ۵ هزار میلیارد تومان سوزانده شد» اینکه مدیریت کلان نیروی انتظامی تدبیری به جز به آتش کشیدن ثروت ملی ندارد، جای بسی تاسف است. این مبلغ کالا می تواند درد و رنج بخشی از خانواده های فقیر را تا حدودی تخفیف دهد که از آنان مضایقه شد. این مقدار کالا ثروت ملی بود که از دست قاچاقچیان بیرون آورده شده بود و می بایست به خزانه دولت برگردد و کمی از ثروت بر باد رفته را جبران نماید و در بهترین صورت پایه ای برای آبادانی قرار گیرد. اما آنچه مهم است رویکرد خردی است که در نیروی انتظامی دستور به این کار داده است. خردی که نه منافع ملی را می داند چیست؟ نه از ثروت ملی اطلاعی دارد و نه از تبعات کاری که انجام داده، درک درستی دارد.

در سیستم سرمایه داری نئولیبرال در کشورهایی که دهان هر کنشگری را می بندند و بی خردان و کاسه لیسان جایگاه ویژه می یابند، باید ثروت ملی تاراج، اقتصاد کشور به سمت فروپاشی بلغزد تا بحران های مستمر و باز هم تصمیم گیری های بی خردانه تر، کشور را به سمت شورش برده تا دزدان در این آشوب باز هم بیشتر بدزدند.

تحریریه پیام سندیکا

## هشدار باش به همه مردم ایران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکی از بازنشستگان گزارش زیر را برای تحریریه پیام سندیکا ارسال کرده است: امروز از فروشگاه کوروش خرید کردم، مبلغ کل خرید ۴۶۰ هزار تومان فاکتور شد. هنگام کارت کشیدن، شهروندی وارد شد با فریاد و چنین گفت: «شما هر جنسی را ۱۰ یا ۷ هزار تومان گرانتر از قیمت درج شده روی جنس، با من حساب کردید. قیمت شوینده روی آن درج شده ۲۷ هزار تومان اما فاکتور کردید ۳۷ هزار تومان !!!». سایر اقلام هم همینطور بالاتر از قیمت روی جنس است» بنده هم شروع کردم به مقایسه کردن که متوجه شدم دقیقا درست می گوید. هر کدام از اجناس را ۷ هزار تومان یا ۵ هزار تومان گرانتر فاکتور شده بود. در نهایت قیمت کل اجناس من بر طبق قیمت درج شده بر روی اجناس ۳۳۰ هزار تومان می شد اما فاکتور کوروش ۴۶۰ هزار تومان شده بود. بعد از جروبحث، مدیریت عنوان کرد که: «ما اجازه داریم ۲۶ درصد روی اجناس خود اضافه

تر، محاسبه کنیم». اینجانب به عنوان یک شهروند ایرانی، اعلام می‌کنم که فروشگاه زنجیره ای کوروش، به طرز بی‌شرمانه‌ای از یک خرید ۴۶۰ هزار تومانی، مبلغ ۱۳۰ هزار تومان به معنای واقعی کلمه، دزدی می‌کند. به دوستان، آشنایان، اقوام و کانال و گروه‌ها اعلام کنید تا از این فروشگاه‌های زنجیره‌ای کوروش خرید نکنند و یا اگر خرید می‌کنند قیمت‌ها و مبلغ کسر شده را مقایسه کنند. اطلاع‌رسانی شما، باعث کمک به مردمی می‌شود که حوصله و وقت مقایسه قیمت اجناس را با فاکتور فروشگاه ندارند. ممکن است که مردمی ساده و بیسواد باشیم اما احمق نیستیم.

## اشتغال زایی امپراتوری دروغ!

به گزارش رسانه‌های سفر آقای ریسی به سمنان ۴۵۰۰ نفر با احیای ۲۸۰ کارخانه به کار بازگشتند. این در حالی است که فقط طی یک روز ۲ هزار کارگر پلی‌اکریل اصفهان و ۱۰۰ کارگر کاغذ سازی پارس شوش کار خود را از دست دادند. بسیاری از کارگاه‌های کوچک در سراسر ایران در سال جدید از ادامه فعالیت باز ماندند و به برآورد سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک ایران بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار کارگر بیکار گشته‌اند که فقط بخش کوچکی توانسته‌اند برای بیمه بیکاری اقدام کنند.

آمارسازی‌های دروغین اشتغال‌زایی در حالی صورت می‌گیرد که حتی در پروژه‌های نفت و گاز نیز شرکت‌هایی به کارگران خود پیغام داده‌اند که از فعالیت باز مانده و کارگران به پروژه باز نگردند از جمله شرکت کیسون در پتروشیمی دنا، فولاد کوشان، شرکت ستاره بندرعباس. اینها فقط مشت‌های از خروار بیکار سازی‌های معمولی و عادی در سرزمین محنت زده ما به شمار می‌رود.

سیستم سرمایه‌داری نئولیبرال همه را گرسنه، درمانده و سرگردان می‌خواهد تا کشور را به راحتی غارت کند و به همین خاطر سندیکاهای کارگری را محدود و سرکوب می‌کند و کنشگران سندیکایی را به زندان می‌افکند تا تکیه‌گاهی برای کارگران نماند.

سندیکاهای کارگری دشمن سیستم نئولیبرالیسم اقتصادی در سراسر جهان هستند و برای بهبودی وضعیت زحمتکشان و برابری مبارزه می‌کنند.

دست من، دست تو  
 دستهای بیکران.  
 زنجیری ست به دست .  
 بجویم دیگری را،  
 او مرا  
 شاید شویم موج  
 موجهای بیکران پیکار. م. دلاور

صحبت از رفتن و رفتن ها نیست

حرف ز ماندن هم نیست

صحبت آن است که خاکستر تو

تخم رزم آور، دیگر باشد

دیده گر کس به خطا بست ورا کور مدان      هم میندار که لالیم اگر خاموشیم  
 موم بر لب زدگانیم، ولی اهل دلان      نیک دانند که ما چون خُم می در جوشیم  
 خسته از شرب یهودیم دگر بادآباد      ساغر باده بیارید که شادان نوشیم  
 بهروز

هه، آیلغیم آرتدی!!

سوز دوشدوکی – آیلقچی لارین آیلغی آرتدی،

باققال باهالاتدی،

هه، آیلغیم آرتدی!!

فیرلاتدی حمامچی فیتنه نی، قاش گوز آتدی-

سو آب حیات دی،

نرخین تازالاتدی،

هه، آیلغیم آرتدی!!

قیز لار بوی آتیب یوخذو جهیز انلچی قاییتدی

آرواد بیکار، اوغلان بیکار، انوده یاتا یاتدی

هه، آیلغیم آرتدی!!

آرتیر دی اجاره بهانی صاحب خانه – انواودی ویرانه

قد اولد وکمان گونده مخارج چا تاچاتدی

هه، آیلغیم آرتدی!!

ات مت باها اولدی و قدا بالام سوت باهالا نسین

جوت – جوت باهالانسین.

دولت ده ضرائله دی «سوبسید» ی آزالندی

هه، آیلغیم آرتدی!!

کارگر تراکتورسازی (شهرک میرزا)

(شعر به طنز نگارش شده است)

آره، حقوقم زیاد شد!

خبر آمد که حقوق بگیران، حقوق شون زیاد شد

جنس بقال گرون شد

آره، حقوقم زیاد شد!

حموم چی، لنگ حموم توی هوا تاب داد ، با چشم و ابرو اشارت

آب مایه حیات است

نرخش ، به روز شد

آره، حقوقم زیاد شد!

دخترم بزرگه ، جهیزیه نداره، خواستگار برمی گرده

زنم بیکار، پسرم بیکار، توی خونه بخواب بخوابه

آره، حقوقم زیاد شد!

اجاره خونه رو، صاحب خونه زیاد کرد- خونه ام خراب شد

قد مثل کمان زیر مخارج،

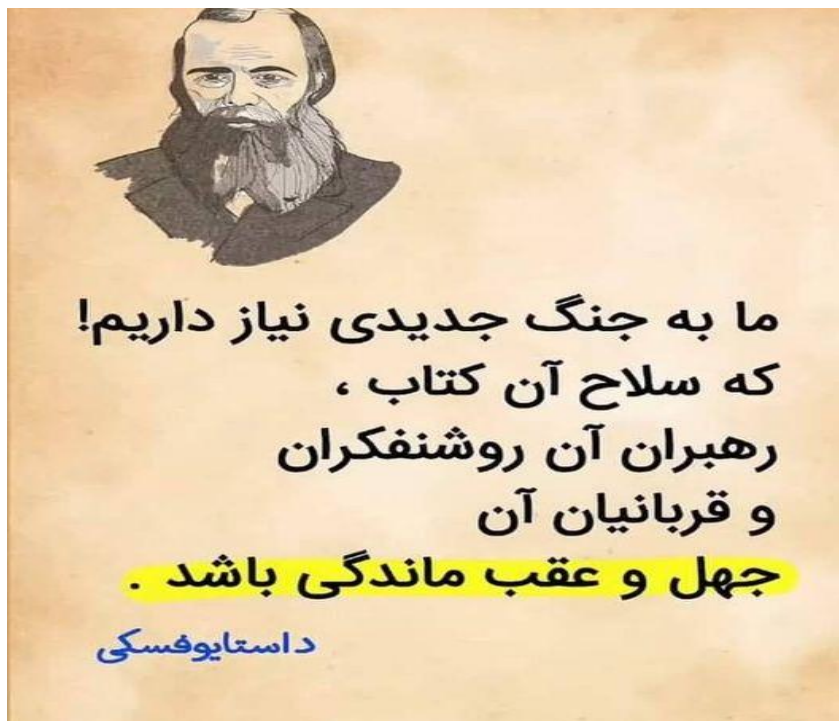
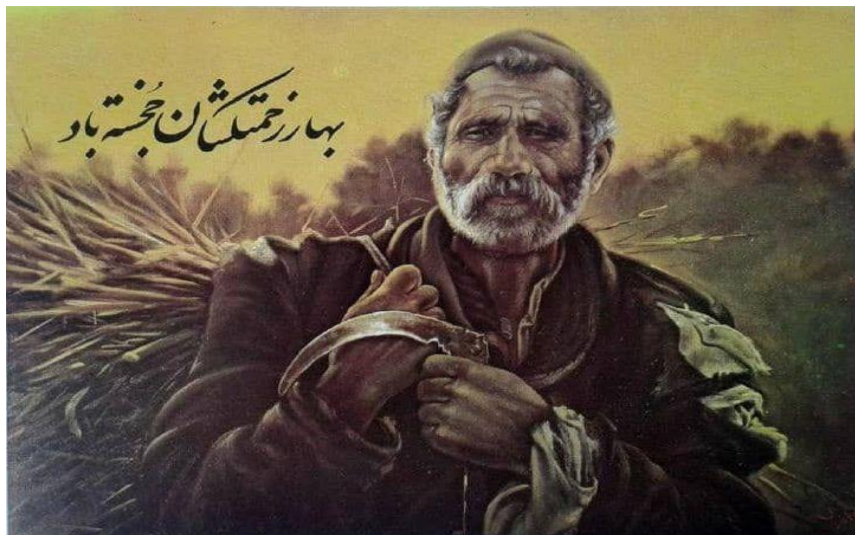
آره، حقوقم زیاد شد!

گوشت موش گرون شد ، شیر رو هم گرون کن

اصلا ، دوتا دوتا گرون کن

دولت ضرر نکنه که سوپسید نداده

آره، حقوقم زیاد شد!



آنجا که سفره‌اش بوی عشق میدهد  
خانه‌ی مادر است...

